

تحلیل عوامل مؤثر بر پویای ژئوپلیتیک قطر و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران

حسین ربیعی

استادیار جغرافیای سیاسی دانشگاه خوارزمی

جهانگیر حیدری*

دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه خوارزمی

چکیده

عوامل جغرافیایی و ژئوپلیتیک، از نظر تاریخی همواره نقش محرک و ترغیب کننده‌ای برای سیاستمداران، فرمانروایان و راهبردپردازان داشته است؛ کشورهای مختلف دنیا با بهره‌گیری از ظرفیت‌های جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک خود، سعی در حفظ ثبات و ارتقاء جایگاه خود در مناسبات ژئوپلیتیک منطقه‌ای و جهانی دارند. اتخاذ چنین رویکردهایی در سیاست خارجی همواره موجب تقابل و تعارض کشورهای یک منطقه می‌شود، این بدین خاطر است که بازیگران منطقه‌ای ممکن است برداشت‌های متفاوتی از امنیت و منافع داشته باشند. در بین کشورهای منطقه‌ی خلیج فارس، قطر از جمله کشورهایی است که در جریان تحولات منطقه‌ای، کنش و پویای ژئوپلیتیک داشته که فراتر از واقعیت‌های جغرافیای سیاسی این کشور است؛ چرا که در سنخ‌شناسی و سلسله مراتب کشورها و قدرت‌ها در ساختار هرم قدرت جهانی، این کشور در زمره‌ی قدرت-های محلی جای می‌گیرد. حال آن که با وجود داشتن وسعت و جمعیت کم، قرارگرفتن در بین دو قدرت منطقه‌ای، پیشینه تاریخی اندک، درگیری و اختلاف سرزمینی با همسایگان، نظام سیاسی موروثی و فقدان عمق سرزمینی، توانسته است در سیاست خارجی، در سطوح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای کنش‌هایی فراتر از واقعیت‌های خود را به نمایش گذارد. این مقاله در پی فهم و تحلیل چرایی و چگونگی این کنش‌های فرامنطقه‌ای و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران است و در این راستا عوامل، راهبردها و اهداف این کشور را مورد واکاوی و بازنمایی قرار داده است. به نظر می‌رسد راهکارها و پویای بر خاسته از موقعیت ژئوپلیتیک این کشور از قبیل: توسل به دیپلماسی میانجی‌گری، استفاده از راهبردهای اقتصاد سیاسی بین‌المللی، در پیش گرفتن دیپلماسی رسانه‌ای، ورزشی، مذهبی، تنش‌زدایی با کشورهای همسایه و حل و فصل اختلافات سرزمینی و نیز میزبانی از کنفرانس‌های علمی و سیاسی از عوامل بسترساز گسترش نفوذ این کشور محسوب می‌گردند، چنین گسترش حوزه‌ی نفوذی از پتانسیل تهدیدآفرینی برای امنیت ملی ایران برخوردار است.

واژگان کلیدی: خلیج فارس، ژئوپلیتیک منطقه‌ای، قدرت منطقه‌ای، قطر، امنیت ملی.

۱- مقدمه

کشورها در عرصه‌ی سیاست خارجی و روابط با همدیگر، با تکیه بر واقعیت‌های فضای جغرافیایی خود و نیز جایگاهی که در صحنه‌ی بازیگری در فضاها، منطقه‌ای و جهانی دارند و نیز فرصت‌ها و محدودیت‌هایی که ناشی از واقعیت‌های ژئوپلیتیک آنهاست، رفتارهای متفاوتی را بروز می‌دهند. بنابراین رفتارهای بازیگران در سطح بین‌المللی و سیاست خارجی ریشه‌ی ژئوپلیتیک دارد. (افضلی، ۱۳۹۱: ۶) و جغرافیای خود را به نظام‌های سیاسی تحمیل می‌کند و در بیشتر موارد برون‌داد سیاست خارجی کشورها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. (قوام، ۱۳۸۸: ۹۲) بین وزن ژئوپلیتیک کشورها و قدرت ملی و حوزه‌ی نفوذ کشورها رابطه وجود دارد. بدین صورت که وزن ژئوپلیتیک یک کشور، که به جمع جبری عوامل قدرت ملی اطلاق می‌شود. (حافظ نیا، ۱۳۷۹: ۲۱۱) مشخص‌کننده‌ی موقعیت قدرت ملی یک کشور و منزلت ژئوپلیتیکی آن کشور در مجموعه‌ی آن کشورها و جهان است. همچنین وزن و منزلت ژئوپلیتیک، بر استراتژی ملی یک کشور در منطقه و جهان اثر می‌گذارد و حوزه‌ی نفوذ کشور را در آن مشخص می‌نماید. به طور متقابل کیفیت و کمیت حوزه‌ی نفوذ کشورها نیز بر وزن ژئوپلیتیک و قدرت ملی آنها تأثیر می‌گذارد. گستره‌ی منافع کشورهای ضعیف، معمولاً محلی، منطقه‌ای و محدود است. طبعاً کشور قطر نیز از این روش مستثنی نیست. کنش‌ها و پویش‌های ژئوپلیتیک این کشور برخاسته از واقعیت‌های جغرافیایی آن است. با توجه به ویژگی‌های جغرافیایی و ژئوپلیتیک، این کشور در سلسله مراتب کشورها و قدرت‌ها، در ساختار هرم قدرت جهانی، در زمره‌ی قدرت‌های ملی و محلی جای می‌گیرد. اما از زمان روی کار آمدن شیخ "حمد بن خلیفه آل ثانی"، قطر سعی داشته خود را کنش‌گری بزرگ در صحنه‌ی روابط بین‌الملل نشان دهد و از جایگاه خود در جهت تثبیت نقش منطقه‌ای و بین‌المللی خویش بهره‌برداری کند. (ابراهیمی، ۱۳۹۱: ۱۲۸) قطر به پشتوانه‌ی عوامل و راهبردهای مختلفی، در دهه‌ی اخیر تلاش کرده است در سیاست‌های منطقه‌ای و حتی بین‌المللی فراتر از واقعیت‌های جغرافیایی و ژئوپلیتیک خود اثرگذار باشد و این رفتار پس از خیزش‌های مردمی در جهان عرب و خاورمیانه نمود بیشتری یافته است. این کشور دامنه‌ی نفوذ و اثرگذاری خود را در افغانستان، مصر، سوریه و دیگر کشورهای منطقه و فرامنطقه گسترانده است. همچنین نقش‌آفرینی این کشور در شمال آفریقا و خاورمیانه در تحولات فلسطین، لبنان، لیبی، یمن، عراق و... در قالب دخالت‌های پیدا و پنهان و اشکال میانجی‌گری و میزبانی کنفرانس‌های صلح آشکار است. این پژوهش در پی واکاوی شرایط جدید این کشور و بررسی چگونگی این فرایند است. لذا سؤال اصلی این پژوهش از این قرار است که "قطر چگونه توانسته است بر خلاف واقعیت‌های جغرافیایی سیاسی و ژئوپلیتیک خود، نقش‌آفرینی‌هایی را در خارج از مرزهای سیاسی خود نمایان کند؟ و این کنش‌ها چه بازتابی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران دارند.

فرضیه‌ی پژوهش

در پاسخ به سؤال یادشده، این فرضیه مطرح و مورد ارزیابی قرار گرفته است: راهکارهای ژئوپلیتیک مبتنی بر قدرت نرم مانند توسل به دیپلماسی میانجی‌گری، استفاده از راهبردهای اقتصاد سیاسی بین‌الملل، دیپلماسی رسانه‌ای، ورزشی، مذهبی، تنش‌زدایی با کشورهای همسایه و نیز میزبانی از کنفرانس‌های علمی و سیاسی، از عوامل بسترساز گسترش نفوذ این کشور محسوب می‌گردند که بازتاب‌های نسبتاً مخربی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران دارد.

۲- مبانی و مفاهیم نظری

۱- منطقه و منطقه‌ی ژئوپلیتیک

در جغرافیای سیاسی به یک فضای جغرافیایی که از یک سلسله پدیده‌های مشابه از نظر فیزیکی و انسانی و عوامل پیوند دهنده‌ی اجزای تشکیل‌دهنده‌ی آن محیط برخوردار باشد، منطقه گفته می‌شود. از نظر فیزیکی یک منطقه باید محیط یکپارچه‌ای باشد یا حداقل دارای ویژگی‌های جغرافیایی و استراتژیک مشابهی مثل واقع شدن در یک شبه‌جزیره مانند کشورهای واقع در شبه جزیره‌ی عرب یا واقع شدن بر گرد یک دریا مانند کشورهای ساحلی خلیج فارس باشد. (مجته‌زاده، ۱۳۸۱: ۱۹۵) در جغرافیای سیاسی هر فضای جغرافیایی که فرایند چهار مرحله‌ای (شکل سرزمینی، شکل نمادی، شکل نهادی و شکل تثبیت‌شده) پشت‌سر گذارد قابلیت اطلاق منطقه را کسب می‌کند. (احمدی‌پور و همکاران، ۱۳۸۹: ۸۰) تقسیم‌بندی جهان براساس مناطق جغرافیایی بیانگر نوع کارکرد ویژه کشورها در آن منطقه است که وجوه اشتراک آنان موجبات همبستگی و همگرایی را به وجود آورده و تحکیم آن منطقه‌های جغرافیایی را به مناطق ژئوپلیتیک و سپس سازه‌های ژئوپلیتیک منتج می‌نماید. (یوسفی، ۱۳۸۹: ۱۵) در ژئوپولیتیک اساس شکل‌گیری منطقه «جغرافیا و رقابت» قدرت‌هاست. در منطقه‌ی ژئوپولیتیک اجزا و مؤلفه‌هایی مانند: ۱- زیربنای جغرافیایی و سرزمینی، ۲- موقعیت جغرافیایی (دسترسی) جذاب، ۳- اهمیت اقتصادی، ۴- رقابت برای کنترل و نفوذ ۵- پیشینه‌ی تاریخی قابل شناسایی است. (ربیعی، ۱۳۹۱: ۳۶)

بنابراین هر قلمروی را که به هر دلیل استراتژیک مستعد رقابت بر سر کنترل و اعمال نفوذ از سوی قدرت‌های موجود در آن باشد و بویژه پیشینه‌ای از رقابت و منازعه برای سلطه در آن وجود داشته باشد، می‌توان منطقه‌ی ژئوپلیتیک نامید. منطقه‌ی ژئوپلیتیک بازگوکننده‌ی شکل سیاسی شده منطقه‌ی جغرافیایی است. منطقه‌ی ژئوپلیتیک بسترساز شکل‌گیری الگوی فضایی روابط سیاسی دولت‌های درون منطقه‌ای و برون منطقه‌ای است و کنش و واکنش آنها و پیدایش الگوی رقابت، همکاری و نزاع را برمی‌انگیزد. (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۱۲) که می‌توان آنرا ژئوپلیتیک منطقه‌ای نام گذاری کرد. هر منطقه دارای روابطی با یک منطقه‌ی دیگر در پیرامون خود و روابطی با ساختار ژئوپلیتیک جهانی خواهد بود. بر این اساس مناطق ژئوپلیتیک متعدد و متنوعی در سطح جهان مشاهده می‌شود که هر یک به صورت دینامیک و پویا با سایر مناطق

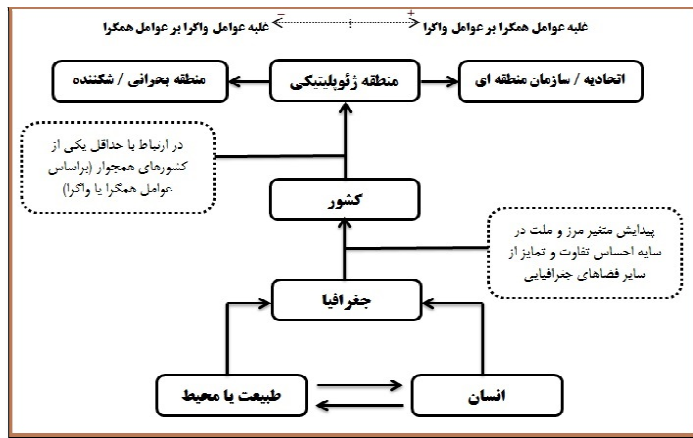
ژئوپلیتیک پیرامونی خود و همچنین ساختار ژئوپلیتیک جهانی در ارتباط هستند و به تبع این پویایی خود، پویایی نظام ژئوپلیتیک جهانی را نیز سبب می‌شوند. (پویان، ۱۳۹۲: ۱۷۱)

۲- ژئوپلیتیک منطقه‌ای

پویایی‌های ژئوپلیتیک که به صورت پیوسته در فضای سیاسی جهان در جریان است، در سطوح و مقیاس‌های مختلفی صورت می‌گیرد. بخش عمده‌ای از پویایی‌های ژئوپلیتیک جهانی است. آنجا که قدرت‌های بزرگ جهانی در راستای کسب یا حفظ جایگاه برتری خود، بازی‌های ژئوپلیتیک را در قالب دوستی یا دشمنی دنبال می‌کنند و از حاصل آن در گوشه و کنار جهان، ستیزها، کشمکش‌ها، جنگ‌های خونین و یا صلح و همگرایی و دوستی و همکاری و .. سر بر می‌آورد. در سطح ملی نیز پویایی‌های ژئوپلیتیک می‌تواند دنبال شود و رفتار درونی کشورهای یک منطقه در سیاست داخلی کشور را در برگیرد. اما بخش دیگری از پویایی‌های ژئوپلیتیک در سطح کوچک‌تر و در قالب مناطق انجام می‌شود. در این سطح نیز قدرت‌های جهانی می‌توانند نقش آفرین باشند، اما در قیاس با سطح جهانی، قطعاً در سطح منطقه‌ای قدرت‌های منطقه‌ای نقش زیادی خواهند داشت. قالب‌های پیش‌گفته دوستی و دشمنی و پیامدهای آن در سطح منطقه‌ای هم می‌تواند توسط قدرت‌های منطقه‌ای طرح و پیگیری شود. ژئوپلیتیک منطقه‌ای اشاره به بخشی از کنش‌های ژئوپلیتیک دارد که در سطح یک منطقه ژئوپلیتیک صورت می‌گیرد. ژئوپلیتیک منطقه‌ای در بر دارنده بازیگران مختلف و رفتارهای پیچیده‌ای است که بازی‌های متعددی به طور همزمان در سطوح مختلف آن انجام می‌گیرد. بیشتر مواقع «بازی» منطقه‌ای به صورت همزمان در هر سه سطح انجام می‌گیرد، به طوری که تحلیل یک موضوع در یک سطح امکان‌پذیر نیست و مرزهایی که این سه سطح را از یکدیگر متمایز کنند، نامشخص است. اغلب، رهبران در حالی که مشغول بازی در یک سطح هستند، به دنبال تأثیر بر نتیجه‌ی کنش (هایی) هستند که در سطوح دیگر انجام می‌گیرد. کشورهای منطقه از هر کنش ژئوپلیتیک، اهداف جهانی، منطقه‌ای و ملی متفاوتی دارند. رابطه میان این سه سطح کنش نیز بسیار نزدیک است و تغییر در یک سطح موجب ایجاد اثرات برنامه‌ریزی نشده و پیاپی در سطوح دیگر می‌شود. تغییرات ایجاد شده در اثر خروج قدرت‌های بزرگ، در توزیع قدرت در منطقه، فرصت‌ها و محدودیت‌های تازه‌ای را برای کشورها ایجاد می‌کند. (Kupchan, 1998: 40-79) در سطح منطقه‌ای با وجود اینکه هر منطقه تحرکات خاص خود را دارد و تا حدی خودمختار است، الگوهای کامل رقابت ژئوپلیتیک در آن قابل شناسایی است. در این سطح، کشورهای یک منطقه در رقابت با دیگر قدرت‌های منطقه بر سر سلطه بر منطقه هستند با وجود این، بیشتر کشورهای منطقه توان قدرت‌نمایی در آن سوی مرزهای خود را ندارند. علاوه بر این، در یک منطقه، کشورهای همسایه، بیشتر از قدرت‌های بزرگ دور و فرامنطقه‌ای، تهدید علیه یکدیگر محسوب می‌شوند تا جایی که مهم‌ترین تهدیدات برای کشورهای منطقه تهدیداتی هستند که ریشه در خود منطقه دارند. سطح منطقه‌ای، به عنوان یکی از محدوده‌های مورد

مطالعه در ژئوپلیتیک، مورد پژوهش، تحلیل و تفسیرهای گوناگون قرار می‌گیرد. از آنجا که بازی قدرت در سطح منطقه نیز همانند سطح جهانی در جریان است، ویژگی‌ها و مؤلفه‌های گوناگون موجود در ژئوپلیتیک در سطح منطقه‌ای نیز قابل مشاهده است. (همان: ۳۵) برای اینکه ساختار ژئوپلیتیک منطقه‌ای شکل بگیرد، حداقل دو کشور یا سه بازیگر ضروری است. شکل شماره ۱. فرایند تشکیل و تکوین یک منطقه‌ی ژئوپلیتیک را نشان می‌دهد.

شکل شماره ۱. فرایند تشکیل و تکوین یک منطقه‌ی ژئوپلیتیک



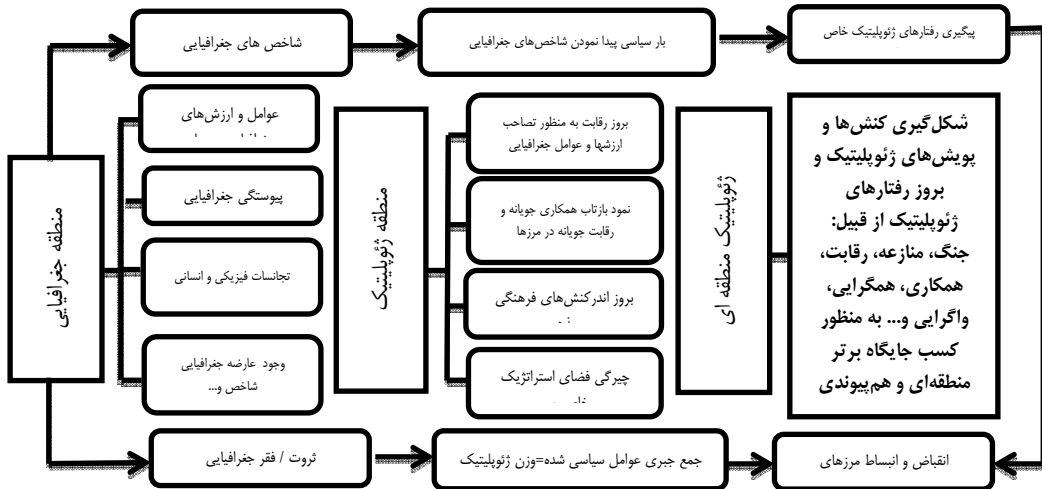
منبع: (پویان، ۱۳۹۲: ۱۷۲)

کشورها از نظر حقوقی برابرند اما از نظر میزان و سطح قدرت با یکدیگر تفاوت‌های فاحشی دارند و همین تفاوت‌هاست که پویایی و کنش ژئوپلیتیک را ایجاد می‌کند. با توجه به میزان قدرت کشورها، آنها در سطوح مختلفی دسته‌بندی شده‌اند. بر اساس برخی نظریه‌های کمیت‌گرا، سنجش قدرت ملی کشورها مستلزم ارزیابی و محاسبه‌ی مؤلفه‌ها و عوامل مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، سرزمینی، نظامی، فرهنگی، علمی و فرامرزی است که محاسبه‌ی آنها بیانگر جایگاه کشورها در سطح منطقه‌ای و قاره‌ای است. (اعظمی، ۱۳۸۵: ۱۱۹) قدرت منطقه‌ای، مفهومی است که معتقدان به نظام چند قطبی پس از پایان جنگ سرد مطرح کرده‌اند. بوزان و ویور، بر این باورند که قدرت منطقه‌ای ممکن است دارای منابع مادی و سخت‌افزاری قدرت چندان مناسب نباشد، اما به لحاظ اصالت تاریخی، سنت‌های ریشه‌دار و موقعیت جغرافیایی، وضعیت مساعدی داشته باشد. (سمیعی، ۱۳۹۰: ۹۹) چنانچه در ساختار قدرت منطقه‌ای دو یا چند قدرت دخالت داشته باشند، پویایی‌های ژئوپلیتیک آنها باعث بی‌ثباتی و ناآرامی در آن منطقه می‌شود؛ بویژه اگر این قدرت‌ها دارای منافع متعارض و رقابت‌های سنگین باشند، گرایش‌ها و جریان‌های متفاوت و متعارضی در منطقه ایجاد می‌کنند. حمایت هر یک از قدرت‌ها از وضعی خاص که منافع خود و متحدانش را در تحقق آن می‌بیند باعث ایجاد دسته‌بندی-

های متفاوت و متعارض منطقه‌ای می‌گردد که نتیجه آن بروز رقابت‌های منطقه‌ای است. اضافه شدن هر بازیگر در منطقه تعداد ذی‌نفعان منطقه‌ای را به دنبال می‌آورد. هر چه تعداد ذی‌نفعان در مسائل منطقه‌ای بیشتر باشد، احتمال رسیدن به تفاهم به همان نسبت پایین‌تر می‌آید. همچنین دخالت قدرت‌های بزرگ موجب پیچیده‌تر شدن کنش‌های منطقه‌ای می‌شود و از ایجاد تفاهم میان کشورهای منطقه جلوگیری به عمل می‌آورد. این امر ضمن آنکه به شکل‌گیری شکاف‌های منطقه‌ای منجر می‌شود، باعث تداوم و استمرار اختلافات و منازعات منطقه‌ای و در نتیجه ایجاد بی‌ثباتی و ناامنی می‌گردد. (قاسمی، ۱۳۹۰: ۱۴۴) چنانچه بیشتر گفته شد مهمترین عامل تعیین کننده‌ی گستره و میزان درگیری کشورها در کنش‌های ژئوپلیتیک یک منطقه، وزن ژئوپلیتیک آنهاست. اما گاهی کنش‌های ژئوپلیتیک یک کشور با میزان وزن ژئوپلیتیک آن جور در نمی‌آید. در این حالت یا معیارهای تعیین وزن ژئوپلیتیک دگرگون شده است یا این که کشوری توانسته است با تکیه بر تاکتیک‌های سیاسی مناسب در رقابت‌های ژئوپلیتیک منطقه‌ای فراتر از وزن خود پویش‌های منطقه‌ای را پی‌گیری کند. درست مانند تیمی که از دسته‌ی پایین‌تر به یک لیگ برتر فوتبال بیاید و در آنجا نیز در رده‌های بالا قرار گیرد.

با توجه به مجموع مباحث طرح شده، می‌توان گفت در یک منطقه‌ی ژئوپلیتیک هر یک از بازیگران به میزان برخورداری از شرایط و موقعیت‌های مثبت و ارزش‌های جغرافیایی، وزن ژئوپلیتیک خواهد داشت. در محیط نظام جهانی و منطقه‌ای، هر قدر توان‌مندی ژئوپلیتیک کشورها بیشتر باشد با تهدیدات کم‌تری مواجه می‌گردند. به‌منظور افزایش توان ژئوپلیتیک و کاهش تهدیدات خارجی، مؤلفه‌هایی هم‌چون هوشیاری تصمیم‌گیران سیاسی و بستر مناسب جغرافیایی اتخاذ راهبردها، تأثیرگذار به‌شمار می‌آیند. با توجه به مزیت‌ها و محدودیت‌های ژئوپلیتیک و شناخت دقیق فرصت‌های بالقوه و بالفعل در عرصه‌ی خارجی، رفتارهای ژئوپلیتیک خاصی در مناطق شکل می‌گیرد، چنین رفتارهایی، مبنایی برای ژئوپلیتیک منطقه‌ای می‌باشند. چرا که شکل‌گیری کنش‌ها و پویش‌های ژئوپلیتیک و بروز رفتارهای ژئوپلیتیک از قبیل: جنگ، منازعه، رقابت، همکاری، همگرایی، واگرایی و... به‌منظور کسب جایگاه برتر منطقه‌ای، و پیوند چنین پویش‌ها و کنش‌ها با دیگر سطوح ساختار ژئوپلیتیک (جهانی، بینا منطقه‌ای، ملی)، ژئوپلیتیک منطقه‌ای قلمداد می‌گردد. در منطقه‌ی ژئوپلیتیک با توجه به وزن ژئوپلیتیک بازیگران، مرزهای کنش آنها دچار انقباض و انبساط می‌گردد. مدل زیر چنین هم-پیوندی معنادار بین منطقه، منطقه‌ی ژئوپلیتیک و ژئوپلیتیک منطقه‌ای را به نمایش می‌گذارد.

مدل شماره ۲. هم‌پیوندی منطقه، منطقه‌ی ژئوپلیتیک و ژئوپلیتیک منطقه‌ای



ترسیم از: (پژوهشگران، ۱۳۹۳)

۳- امنیت ملی

امنیت ملی همچنان مسأله و دل‌مشغولی تمامی ملل و کشورهاست. به همین دلیل، موفقیت سیاست خارجی هر کشوری منوط به استحکام امنیت ملی آن می‌باشد. طبق این دیدگاه، سیاست خارجی همیشه از منظر امنیت ملی و افق این مفهوم و ساخت اجتماعی مشخص می‌شود. (ابراهیمی، ۱۳۸۸: ۱۲۷) امروزه مفهوم امنیت ملی برای بسیاری از کشورها حاکی از نیاز به حفظ استقلال و تمامیت ارضی، حفظ شیوه‌ی زندگی ملی و جلوگیری از مداخله‌ی بیگانه در امور داخلی کشور از طریق افزایش قدرت نظامی است. امنیت هر دولت می‌تواند با ناامنی دیگر کشورها تعریف شود و هر کشوری با تعریف خاص خود از امنیت ملی بر اساس امکانات و منابع موجود در چارچوب تعریفی که از امنیت منطقه دارد، می‌تواند در مقابل دیگر کشورها از خود دفاع کند. (عیوضی، ۱۳۸۶: ۴۵۱) امنیت ملی یا به تعبیری منافع ملی، مجموعه‌ی شرایط و امکانات پویایی است که تحقق نیازهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را میسر می‌سازد. این شرایط ملهم از شرایط ژئوپلیتیک، ساختار اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی یک جامعه و بالاخره جایگاه آن در نظام بین‌الملل است که دارای دو بُعد داخلی و خارجی است. (جمراسی فراهانی، ۱۳۷۴: ۹) بُعد داخلی یا درون‌گرا بر ایجاد نظم و آرامش، تأمین منافع عمومی و توسعه‌ی فرهنگ و تمدن تأکید دارد و بُعد خارجی (برون‌گرا) ناظر بر تعیین جایگاه یک کشور در صحنه‌ی بین‌المللی است. (ساوه درودی، ۱۳۸۶: ۵۶) امنیت ملی بخشی از سیاست دولت است که هدفش ایجاد شرایط مساعد سیاسی ملی و بین‌المللی برای حفاظت یا گسترش ارزش‌های حیاتی ملی در مقابل دشمنان موجود و بالقوه است. (بوزان، ۱۳۷۸: ۳۲) "برژینسکی" در تعریف این واژه می‌گوید: «امنیت ملی، معنی محدود آن یعنی امنیتی نظامی صرف نیست. گرچه قدرت نظامی یکی از ابعاد مهم رقابت تاریخی آمریکا و شوروی است، اما امنیت ملی

ملاحظات بیشتری را در بر می‌گیرد که زمامداری سیاسی، قدرت اقتصادی، نوآوری فناورانه، حیات ایدئولوژیک و... از جمله آن می‌باشد». (خلیلی، ۱۳۸۶: ۳) به عبارتی دیگر، امنیت ملی، توانایی دولت و ملت در برابر ارزش‌های حیاتی خود در قبال خطر، یعنی آسیب‌پذیری داخلی و تهدید خارجی است، اهدافی که به عنوان امنیت ملی پیگیری می‌شوند عبارتند از:

- ۱- حفظ استقلال و تمامیت ارضی
 - ۲- تحقق رفاه مردم و ثبات سیاسی کشور
 - ۳- حفظ و اشاعه ارزش‌های ملی و اعتقادی
 - ۴- فراهم کردن امکان فراغت خاطر نسبت به تهدیدهای احتمالی. (کاظمی پور، ۱۳۷۶: ۴۶)
- بر اساس نتایج حاصل از تعاریف بالا، در مجموع می‌توان امنیت ملی را خط مشی دفاعی، نظامی و غیر نظامی یک کشور به منظور بقا و استمرار ثبات و منافع ملی خود در برابر آسیب‌های داخلی و تهدیدات خارجی با توجه به درک درست از توانمندی‌ها و امکاناتی که در اختیار دارد بیان کرد. (ساوه درودی، ۱۳۸۶: ۵۶) تأمین امنیت ملی بر مبنای اصول، طراحی و برنامه‌ریزی مدیریت امنیت ملی رقم می‌خورد. در این مدیریت لزوم توجه به مباحث مرتبط با تأمین امنیت ملی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. (بوزان، ۱۳۷۸: ۱۲۰)

۳- یافته‌ها و اطلاعات

۳-۱- ویژگی‌ها و ظرفیت‌های ژئوپلیتیک قطر

قطر کمی بیشتر از ۱۱ هزار کیلومتر مربع وسعت دارد و آسیب‌پذیری‌های آن ایجاب می‌کند که رفتارها و راهبردهایی برای تضمین بقا و امنیت خود در پیش گیرد. این کشور از سه جهت شمال، شرق و غرب دارای ۵۶۳ کیلومتر مرز مشترک با همسایگان خود در خلیج فارس و شصت کیلومتر مرز خاکی با عربستان سعودی است. نتایج سرشماری سال ۲۰۱۰ سازمان آمار قطر، جمعیت این کشور را ۱۶۹۶۵۶۳ اعلام کرد که کمتر از یک سوم آن قطری هستند. بر اساس برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته برای افزایش جمعیت بومی و همچنین ورود کارگران خارجی پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۱۵ این رقم به سه میلیون نفر افزایش یابد. (سهرابی، ۱۳۹۲: ۹) کمی جمعیت، کمبود نیروی کار شدیدی در عرصه‌های مختلف کشور قطر ایجاد کرده و این وضعیت شرایط را برای مهاجرت گسترده کارگران به این کشور فراهم نموده است. این کشور با عربستان و بحرین و امارات سابقه اختلافات سرزمینی و مرزی دارد و همسایه‌ی کشورهای قدرتمندی مانند ایران و عربستان سعودی است. همچنین نظام سیاسی این کشور تک ساخت و غیر دموکراتیک است. در جریان دگرگونی‌های سال ۲۰۱۱ در کشورهای عربی، اخباری مبنی بر تقاضای گروه‌های مردمی برای تظاهرات اعتراضی در قطر منتشر شد. در قبال این نگرانی‌ها، قطر نیز چاره را در کمک گرفتن از قدرت‌های فرامنطقه‌ای برای تأمین امنیت خود دیده است. اکنون، پایگاه نیروهای امریکایی در این کشور مستقر است. (حافظ نیا و

ربیعی، ۱۳۹۲: ۱۵۹) طبق گزارش منتشر شده در مجله‌ی نفت و گاز در ژانویه ۲۰۱۳، کشور قطر دارای ذخایر نفتی معادل ۲۵/۴ بیلیون بشکه بوده و در مقام سیزدهم جهان قرار دارد. (U.S.2013:30) همچنین قطر دارای بزرگترین میدان مستقل گازی (غیر همراه با نفت) جهان بوده و بزرگترین صادر کننده گاز طبیعی مایع شده (LNG) در جهان می‌باشد. براساس آمارهای نشریه‌ی نفت و گاز (Oil & Gas Journal) در اول ژانویه ۲۰۱۳، میزان ذخایر اثبات شده‌ی کشور قطر حدود ۸۹۰ تریلیارد فوت مکعب، معادل ۱۳ درصد مجموع ذخایر جهانی می‌باشد. این کشور با این ذخایر جایگاه سوم دارندگان گاز طبیعی بعد از روسیه و ایران را دارا است. عمده ذخیره گاز طبیعی قطر در میدان فراساحلی شمالی قرار داشته که در محدوده‌ای به وسعت تقریباً معادل خود سرزمین قطر واقع شده است. (معظمی و جوکار، ۲۰۱۳: ۶)

کشور قطر با تکیه بر دلارهای نفت و گاز خود در یک دهه‌ی گذشته سعی کرده است بر معادلات منطقه‌ی خاورمیانه و خلیج فارس تأثیر بگذارد و پس از عربستان سعودی به مانند کویت (در دهه‌ی ۱۹۸۰) به ایفای نقش بپردازد. این تأثیرگذاری حتی در معادلات خاورمیانه، منازعه در فلسطین اشغالی، انقلاب‌های عربی و بحران سوریه به چشم می‌خورد به طوری که قطر به دنبال ایجاد قطب جدید قدرت در کنار عربستان سعودی، ایران و ترکیه در منطقه است. (ماهنامه خلیج فارس، ۱۳۹۳: ۵۹) در ادامه سیاست خارجی کشور قطر و چگونگی پویش‌های ژئوپلیتیک این کشور مورد بررسی قرار گرفته است.

۳-۲- نماد سازی در عرصه‌ی خارجی

نماد مفهومی پیچیده است که دامنه‌ی متنوعی از ایده‌ها و ویژگی‌ها را در بر می‌گیرد و در جامعه به صورت هویت شناخته شده و نمود یافته با دیگران سخن می‌گوید. (عسگری، ۱۳۹۲: ۳۹)

کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، سیاست نماد سازی را در عرصه‌های مختلف با رویکردهای رقابت‌جویانه‌ی دنبال می‌نمایند. از ساخت بلندترین آسمان‌خراش در منطقه گرفته تا ساخت گسترده‌ترین جزیره‌ی مصنوعی، از دست‌یابی به بالاترین آمار در زمینه‌ی جلب و جذب گردشگر گرفته تا سرمایه‌گذاری‌های کلان در عرصه‌ی ورزشی و...، این رقابت از آنجاست که دسترسی به این اهداف منبع غرور ملی و هویت فرهنگی و شکوفایی اقتصادی قلمداد می‌شوند. (Mahgoub, 2012: 640) نماد فراتر از شکل‌دهی به تمایزات است، بلکه محصول یا خدمتی است که تمایز را به وسیله‌ی موقعیت خصوصیاتش می‌سازد و در برگیرنده‌ی ترکیب منحصر به فردی از ویژگی‌های اساسی و ارزش‌های نمادین می‌باشد. (Hankinson and Cowking, 1993: 10) به گونه‌ای می‌تواند بار سیاسی یافته و در سیاست خارجی و کسب پرستیژ بین‌المللی مفید باشد. از آن‌جا که کشورهای کوچکی مانند قطر نمی‌توانند ویژگی‌های فیزیکی و جمعیتی و عناصر اولیه قدرت ملی خود را به راحتی تغییر دهند، در پی راهبردهایی خاص برای تضمین بقای خویش‌اند. یکی از این راهبردها که بسیاری از دولت‌های کوچک و حتی برخی دیگر دولت‌ها دنبال می‌کنند، نمادسازی است. (اسدی، ۱۳۹۰: ۱۲) کشور

قطر، به منظور پیشبرد اهداف خود چنین راهبردی را دنبال نموده و از آن در تحکیم پایه‌های سیاست خارجی خود بهره گرفته است. به طور نمونه، شبکه الجزیره قطر یک نماد رسانه‌ای عربی/قطری است، و یکی از نمادهای روشن سیاست خارجی قطر محسوب می‌شود. (ابراهیمی، ۱۳۹۱: ۱۲۹) صنایع گاز قطر نیز یک برند گازی بین‌المللی به شمار می‌رود، چرا که این کشور بزرگ‌ترین تولیدکننده و صادرکننده‌ی LNG و GTL جهان محسوب می‌شود. همچنین با بهره‌برداری از تأسیسات جدید خود به بزرگترین صادرکننده‌ی گاز هلیوم در جهان تبدیل خواهد شد. (نفت و انرژی، ۱۳۹۲: ۹) این نمادهای شناسایی شده‌ی بین‌المللی، ضمن اینکه استمرار حاکمیت و تمامیت سرزمینی قطر را عمق می‌بخشد، به قطر اجازه می‌دهد تا نقشی فراتر از توان خود ایفا کند و به تدریج "دوحه" به پایتخت دیپلماسی منطقه تبدیل شود. (رضاه‌خواه، ۱۳۹۰: arezakhah.blogfa.com). همچنین بخشی از استراتژی نمادسازی کشور قطر، ایجاد خطوط هوایی این کشور بوده است. خطوط هوایی نشان‌دهنده‌ی پرواز هوایی‌ها با نام قطر در فرودگاه‌های سراسر جهان برای تبلیغات است. (Peterson, 2006: 748) خطوط هوایی قطر شبکه‌ی پروازی خود را به نحو گسترده‌ای در اقصی نقاط دنیا گسترش داده است. در حال حاضر این شرکت به ۹۳ نقطه‌ی جهان پرواز می‌کند. "قطر ایرویز" با افزایش ۱۵ هوایی از نوع بوئینگ ۷۷۷ به ناوگان حمل‌ونقل خود تعداد هوایی‌های خود را به ۹۰ فروند رساند. با برنامه‌ریزی صورت‌گرفته، این شرکت قصد دارد خود را به بزرگ‌ترین و سریع‌ترین خطوط هوایی جهان تبدیل کند. (سهرابی، ۱۳۹۲: ۷۹)

۳-۳- دیپلماسی رسانه‌ای کشور قطر (شبکه‌ی الجزیره)

تبلیغات سیاسی رسانه‌ای، یکی از ابزارهای مهم سیاست خارجی این امیرنشین کوچک است. سیاست خارجی قطر که «الجزیره» یکی از نمادهای روشن آن محسوب می‌شود، تحولات منطقه‌ای را به مثابه فرصت‌های تازه برای فعال شدن قلمداد کرده و با استفاده از اهرم‌های در اختیار خود، سعی در بهره‌گرفتن از آنها با حداکثر امکانات داشته است. "نبیل عبدالفتاح"، محقق مرکز پژوهش‌های سیاسی الاهرام مصر، معتقد است: «هیئت حاکمه‌ی قطر در به‌کارگیری الجزیره به مثابه قدرت هوشمند در سیاست خارجی خود، برنامه‌ریزی گسترده‌ای انجام داده-اند»؛ وی باور دارد که الجزیره به عنوان مهم‌ترین ابزار سیاست خارجی قطر، همواره مؤلفه‌ای تأثیرگذار و گاهی ابزار فشاری در چانه‌زنی‌های دیپلماتیک دوحه بوده است. (ابراهیمی، ۱۳۹۱: ۱۲۸) الجزیره اینک دارای ۳۰۰ تا ۵۰۰ میلیون مخاطب است، بنابراین یک ابزار برای پیش‌برد اهداف سیاسی و اقتناع افکار عمومی است. به دلیل تأثیرات این شبکه بر روی جهان، کشور قطر تمایل شدیدی نسبت به حفظ این شبکه از خود نشان می‌دهد و با حمایت مالی انحصاری خود به این هدف نایل شده است. (Anzawa, 2011: 18)؛ کشور قطر به‌ویژه با تکیه بر قدرت رسانه‌ای خود که مدیون عملکرد حرفه‌ای شبکه‌ی الجزیره است، توانست خود را به‌عنوان بازوی رسانه‌ای انقلاب‌های عربی یا کاتالیزور قیام‌های مردمی منطقه معرفی کند. (رضاه-

خواه، ۱۳۹۰: arezakhah.blogfa.com) الجزیره که از کشور قطر برای کل دنیای عرب پخش می‌شود به یکی از اصلی‌ترین منابع تعیین‌کننده‌ی اطلاعات تبدیل و به تبع آن، یکی از اصلی‌ترین بازیگران عرصه‌ی تصمیم‌گیری در دنیای عرب شده است. (نکته‌دان، ۱۳۸۶: ۴۳) با این همه قطری‌ها سعی دارند به منظور افزایش اعتبار الجزیره آن را به عنوان رسانه‌ای مستقل مطرح سازند. واقعیت موجود حاکی از فعالیت این شبکه در چارچوب سیاست‌ها و اهداف سیاست خارجی قطر است و رویکرد الجزیره در خصوص تحولات عربی این موضوع را به خوبی نمایان ساخته است. (اسدی، ۱۳۹۰: ۷) بنابراین الجزیره ابزاری مناسب برای تبلیغ و پیش‌برد اهداف و عقاید دولت مردان قطر می‌باشد. توان تأثیرگذاری این شبکه بر مخاطبین داخلی و خارجی، حاشیه‌ی امنی برای امنیت ملی و تسهیل دست‌یابی به اهداف در عرصه‌ی سیاست خارجی فراهم نموده است.

۳-۴- ورزش، ابزاری برای توسعه نفوذ سیاسی و ژئوپلیتیک قطر

در برهه‌های زمانی مختلف، ابزارهای پیشبرد نفوذ ژئوپلیتیک به تبع شرایط زمانی و مکانی دست خوش تغییر گشته‌اند. گاهی توان مضاعف نظامی، و گاهی عوامل دیگر همچون؛ توان مالی و اقتصادی (ژئوآکونومیک)، تسلط بر خطوط لوله‌ی انتقال انرژی (ژئوپولونومی)، تاریخ و فرهنگ مؤثر (ژئوکالچر)، غول‌ها و امپراطوری‌های رسانه‌ای (دیپلماسی رسانه‌ای)، چیرگی بر فضای مجازی (ژئوپلیتیک فضای مجازی) و... دست‌مایه‌ی توسعه نفوذ ژئوپلیتیک شده‌اند. امروزه نیز قهرمانی در رشته‌های پرشمار ورزشی، تعداد مدال‌های اکتسابی در بازی‌های المپیک و جهانی، تخصصی شدن رشته‌ای از ورزش‌ها در کشوری، میزبانی از بازی‌های جهانی، المپیک، منطقه‌ای و یا میزان به اهتزاز درآمدن پرچم کشوری در بازی‌های جهانی و منطقه‌ای می‌تواند عامل کسب پرستیژ سیاسی و توسعه نفوذ سیاسی و ژئوپلیتیک یک بازیگر شود.

بنابراین استفاده از ورزش برای مقاصد سیاسی و تأمین منافع ملی یکی از ابزارهای مهم سیاستمداران است. ورزش و مسابقات ورزشی بطور گسترده‌ای وارد زندگی خصوصی و عمومی مردم جهان شده است و بر رفتار افراد، جوامع، دولت‌ها و رسانه‌ها تأثیر می‌گذارد. این پدیده دارای پیامدهای سیاسی نیز می‌باشد و می‌تواند روابط دولت‌ها و گروه‌های اجتماعی را تحت‌الشعاع قرار دهد. همچنین با مفاهیمی چون قدرت ملی، رقابت، همگرایی، واگرایی، ستیز و منازعه، ناسیونالیسم و ملی‌گرایی، اتحاد و وحدت ملی و نظایر آن پیوند می‌خورد و بر نگرش و رفتار دولت‌ها و ملت‌ها نسبت به همدیگر تأثیر می‌گذارد. (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۰۸) امروزه رقابت زیادی برای میزبانی مسابقات ورزشی بین‌المللی و جهانی بین کشورها وجود دارد. قطر با تصمیم فدراسیون فوتبال (FIFA) این شانس را پیدا کرد که میزبان پربیننده‌ترین رویداد ورزشی دنیا باشد. قطر برنده دیپلماسی ورزشی‌ای شد که تقریباً از دو دهه‌ی قبل شروع کرده بود. از زمانی که "امیرحمّد" در سال ۱۹۹۵ به قدرت رسید، این فکر را در سر داشت تا متناسب با اندازه‌ی کوچک این شبه‌جزیره‌ی عربی، به یک رنسانس جهانی برسد. (Kessous,

(2011) پیام قطر از بُرد مزایده جام جهانی این بود که: «ما خواهان تغییر نگاه‌های منفی نسبت به کشورهای کوچک با جمعیت محدود و تبدیل آن به نگاه مثبت بودیم». (F.Cooper and Momani, 2006: 8) علاوه بر اینکه قطر میزبانی بازی‌های جام جهانی ۲۰۲۲ را برنده شده، رسماً برای میزبانی بازی‌های المپیک ۲۰۲۰ نیز اقدام کرده و در مزایده شرکت نموده است. قطر برای میزبانی بازی‌های آسیایی ۲۰۰۶ نیز مبلغ ۲/۸ میلیارد دلار هزینه کرد. یک منبع دیپلماسی در دوحه می‌گوید: پول نیروی محرکه سیاست خارجی قطر نیست. او همچنین اضافه می‌کند که تمام این هزینه‌ها برای ثبات بیشتر قطر انجام می‌شود و اگر این نتیجه‌بخش نباشد؛ قطر دیگر هیچ پولی مصرف نخواهند کرد. (Doherty, 2012) کشور قطر با وجود جمعیت و وسعت کم، تا کنون توانسته به مدد دلارهای نفتی و گازی برای خود اعتبارات بین‌المللی بخرد. دولت قطر معضل نداشتن ورزشکار را با خرید ورزشکار از دیگر کشورها با قیمت‌های گزاف جبران می‌کند تا در مجامع بین‌المللی پرچم این کشور بالا برود. (طاهری، ۱۳۸۹: ۱) از دیگر سرمایه‌گذاری‌های ورزشی کشور قطر خرید ۷۰ درصد تیم فوتبال «پاریسن ژرمن» از فرانسه به وسیله شرکت «سرمایه‌گذاری ورزشی قطر» به مبلغ ۱۳۰ میلیون دلار و تیم «مالاگای اسپانیا» می‌باشد. (fa.alalam.ir) از آنجا که دولت قطر که اخیراً میزبانی جام جهانی فوتبال در سال ۲۰۲۲ را تصاحب کرده است، نسبت به ساخت و بازسازی ۱۲ استادیوم، با استانداردهای جهانی و ابعاد عظیم و حجیم، ساخت فرودگاه جدید بین‌المللی، ساخت بندرگاه بین‌المللی و ساخت سیستم مترو و قطار شهری جامع، در راستای برگزاری هرچه باشکوه‌تر این بازی‌ها اقدام نموده است. علاوه بر این دولت قطر ۱۷ هزار میلیارد برای ساخت هتل و سایر ساختارهای مرتبط با توسعه توریسم هزینه کرده است. (Al-Ansary, 2012: 65) به طور مثال مدیر روابط عمومی هتل فریزر سوئیس الدوحه، "مصطفی حنینی"، خبر می‌دهد که شرکت «الهمتی» درصدد است تا ۴ هتل مجلل با بیش از ۲۰۰ غرفه‌ی جدید احداث نماید. (حنینی، ۲۰۱۴: ۲) قطر ثروتمندترین کشور جهان است. در نتیجه برای تأمین هزینه‌ی رویدادهای ورزشی و توریستی مشکلی ندارد. این امیرنشین کوچک، به محلی برای تماشای وقایع ورزشی تبدیل شده است و میزبان بسیاری از مسابقات ورزشی با اعتبار نظیر: فوتبال، فرمول ۱، تنیس، گلف، راگبی، ورزش‌های پهلوانی و... بوده است. علاوه بر این قطری‌ها سرمایه‌گذاری‌های کلانی را در ورزش اروپا انجام دادند. از جمله صرف ۶۰ میلیون دلار برای پیراهن تیم بارسلونا. قطر در چند سال اخیر مبلغی حدود ۲۲۵ میلیارد دلار صرف پروژه‌های زیربنایی کرده است که بخشی از آن صرف هزینه‌های جام جهانی می‌شود. از جمله ۳ میلیارد دلار برای آماده‌سازی زمین مسابقات و ۱۷ میلیارد دلار برای ساخت هتل‌ها در نظر گرفته شده است. (Kessous, 2011) بنابراین استفاده از دیپلماسی ورزش، کانالی دیگر برای ورود کشور قطر به عرصه‌ی سیاست خارجی را مهیا نموده است.

۳-۵- کنش‌های میانجی‌گرایانه در سیاست خارجی کشور قطر

در منطقه‌ای که بحران‌ها و منازعات حزبی در بین کشورها و ملت‌های آن معروف است و منطقه‌ای واقعاً بحرانی است، قطر به سرعت خود را به‌عنوان عامل حل این مناقشات مطرح کرده است و به عنوان منجی صلح قابل اعتمادی شهرت پیدا کرده است. این میانجی‌گری‌ها بخش مهمی از سیاست خارجی قطر است. (اسدی، ۱۳۹۰: ۱۶) اقدامات میانجی‌گرانه قطر اغلب با حمایت قدرت‌های جهانی یعنی ایالات متحده، روسیه، فرانسه و بریتانیا شکل گرفته است. گاهی اوقات «قدرت‌های متوسط» سعی می‌کنند تا خود را در مسائل بین‌المللی وارد کنند و از این راه رخنمایی کنند، مانند تلاش‌های برزیل و ترکیه برای ارائه راه‌حل در مورد بن‌بست برنامه هسته‌ای ایران در سال ۲۰۱۰. اما کمتر اتفاق افتاده که کشوری کوچک به عنوان یک میانجی اصلی در مسائل میانجی‌گرانه بین‌المللی عمل کند. تلاش‌های فراوان قطر در زمینه‌ی برقراری صلح هم در منطقه و هم با در نظر گرفتن کوچکی کشور، در جهان منحصر به فرد است. (Kamrava, 2011: 540) کشور قطر در مسایل سیاسی و منطقه‌ای تلاش می‌کند تا با میانجی‌گری و برگزاری کنفرانس‌های بین‌المللی سری در سرها داشته باشد و نام خود را به عنوان یک کشور کوچک اما تاثیرگذار در مجامع جهانی مطرح کند. (طاهری، ۱۳۸۹: ۱)

افزایش اهمیت و محبوبیت قطر به‌عنوان «واسطه‌ای بی‌طرف» می‌تواند از تعداد مخالفان جهانی و منطقه‌ای آن بکاهد، یا می‌توان این‌گونه توضیح داد که قطر کشورهای مخالف خود را به‌گونه‌ای دیگر شکست می‌دهد (بدون نیاز به نیروهای انسانی زیاد، مساحت زیادی از زمین یا ارتش). قطر به‌عنوان یک بازیگر جدید در صحنه‌ی سیاست خاورمیانه و بدون هیچ پیشینه‌ی دیپلماسی یا نظامی در منطقه، خود را به صورت یک میانجی صادق مطرح کرده است. با این‌وجود فقط بی‌طرفی نیست که باعث جذب قطر به‌عنوان یک میانجی می‌شود. قطر دارای ترکیب قدرتمندی از پول، فضای هتل و ارتباطات است. دولتی که قصد افزایش قدر و منزلت بین‌المللی خود را دارد، باید صورت‌حساب‌های میلیونی را برای هزینه‌ی هتل‌های شورشیان بپردازد. بعد از اینکه توافقنامه‌ها امضاء می‌شود قطر با قول بازسازی و کمک در توسعه، توافقات را محکم‌تر می‌کند. موارد تشویقی و همکاری‌های پیشنهادی به‌طرف ضعیف‌تر می‌تواند به میزان قابل توجهی، سطح درگیری‌ها را تقلیل بخشد. خود امیر قطر و شخص وزیر امور خارجه به‌طور خاص برای برقراری ارتباط با طرف‌های درگیر سرمایه‌گذاری می‌کنند. این گفت‌وگوها دارای نتایج گوناگونی است. اما برای قطر، بازی کردن نقش میزبان باعث افزایش و بهبود موقعیت بین‌المللی آن می‌شود. (Dickinson, 2012) طبق صحبت‌های یک دیپلمات قطری، این کشور به‌دقت و با وسواس خاصی مناقشاتی را برای انجام اقدامات میانجی‌گرانه انتخاب می‌کند که از قبل شانس موفقیت و یا نتایج مثبت این اقدامات، اثبات شده باشد. این بدین معناست که قطر به‌دنبال سرمایه‌گذاری بر روی فرصت‌هایی است که در همسایگان مجاور خود به‌چشم می‌خورد. (Kamrava, 2011: 544) به عنوان مثال در اواخر تیر و اوایل خرداد ماه

سال ۱۳۸۷ش قطر ریاست کمیته وزارتی اتحادیه عرب و میزبانی نشست گفت‌وگوهای گروه-های مختلف لبنانی را بر عهده گرفت. این مذاکرات منجر به «توافقنامه دوحه» و متعاقب آن انتخاب رئیس‌جمهور جدید و تشکیل دولت وحدت ملی لبنان به ریاست "میشل سلیمان" به عنوان بزرگترین دستاورد سیاست‌خارجی قطر شد. (ابراهیمی، ۱۳۹۱: ۱۲۸) همچنین قطر تلاش‌های میانجی‌گریانه‌ای را برای بهبود روابط بیروت - دمشق، دمشق - پاریس و طرابلس و واشنگتن انجام داد. همچنین قطری‌ها در مقام ریاست کمیته‌ی اتحادیه‌ی عرب، میزبان مذاکرات صلح "دارفور" بین گروه‌های مختلف سودانی و دولت این کشور برای حل و فصل این بحران بوده‌اند.

پافشاری بر روی ایفاء نقش میانجی‌گر، در برخی موارد، باعث تحریک خشم برخی کشورهای منطقه شده، چرا که آنان این نقش را برای خود می‌خواهند. برای مثال، مصر برای مدت‌های طولانی خود را اولین حامی سودان می‌دانست و به دنبال راه‌حلی ابتکاری بود تا به‌گونه‌ای متفاوت از قطر، بحران دارفور را حل کند. در پایان، قطر با ثروت بیشتر و با اینکه طول دوره‌ی ارتباط او با سودان کمتر از مصر بود، برنده شد. (Green, 2009) همچنین تلاش‌های قطر در خاتمه‌دادن به شورش "حوثی‌ها" در یمن نیز باعث رنجش عربستان سعودی شد. قطری‌ها نسبت به دیگر کشورهای منطقه همواره روشی متمایز در عرصه‌ی سیاست‌خارجی داشته‌اند. در سیاست‌خارجی می‌کوشند تا شبکه‌ی روابط و پیوندهای خود را با بازیگران مختلف و حتی متضاد تقویت کنند که این موضوع موجب می‌شود اقدامات سیاست‌خارجی این کشور از سوی ناظران خارجی متناقض به نظر برسد. در حالی که رابطه‌ی خوبی با دولت جدید عراق دارد، میزبان خانواده‌ی صدام در دوحه نیز هست. با دولت یمن رابطه‌ی بسیار خوبی دارد اما در عین حال میزبان حوثی‌ها به عنوان گروهی مخالف دولت یمن نیز می‌شود. با این حال مسئولان این کشور همواره سعی در ایجاد توازن و تعادل در سیاست‌خارجی خود داشته‌اند و با پی‌گیری سیاست «بی‌طرفی مثبت یا سازنده» و «دیپلماسی فعال» در صدد ایفای نقش میانجی‌گر در پرونده‌ها و مسائل مختلف منطقه هستند. (سهرابی، ۱۳۹۲: ۱۳۰) این کنش در عرصه‌ی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای موجبات توسعه‌ی نفوذ سیاسی کشور قطر را فراهم نموده است.

۳-۶- تنش‌زدایی با کشورهای همسایه

یکی از استراتژی‌های ملی قطر برای حفظ توسعه‌ی خود و تأمین استانداردهای بالای زندگی برای تمام افراد کشور، اتخاذ سیاست تنش‌زدایی با همسایگان است. این کشور در تحکیم روابط خود با کشورهای اسلامی، جهان سوم و عرب می‌کوشد و در این راستا، در صدر کشورهای کمک‌کننده به دولت‌های نیازمند قرار دارد. (شریفی، ۱۳۸۹: ۳۲) در همین ارتباط، وزارت خارجه‌ی قطر، مأموریت کشور خود را ایجاد همبستگی عربی، حل و فصل اختلافات بین‌المللی از راه‌های مسالمت‌آمیز و مشارکت فعال در مسائل و چالش‌هایی که کشورهای شورای همکاری خلیج فارس با آن مواجه‌اند، اعلام کرده است. (ابراهیمی، ۱۳۹۱: ۱۲۹) از دیگر

نشانه‌های تنش‌زدایی در عرصه‌ی سیاست خارجی کشور قطر می‌توان به تلاش‌های این کشور در عرصه‌ی فرهنگی اشاره نمود. از اهم این فعالیت‌ها می‌توان به فستیوال فرهنگی سالانه این کشور، تلاش برای ایجاد موزه‌های بین‌المللی و ایجاد شهری آموزشی با مشارکت دانشگاه‌های مهم غربی اشاره کرد که به مدیریت "شیخه موزه"، یکی از همسران شیخ حمد، پادشاه پیشین قطر، انجام می‌شود. (اسدی، ۱۳۹۰: ۷) از دیگر نشانه‌های اتخاذ این سیاست از جانب دستگاه دیپلماسی کشور قطر، تلاش برای حل و فصل اختلافات ارضی و مرزی است. تنش‌های بلندمدت قطر با بحرین نیز بر سر جزایر "حوار"، با تصمیم دادگاه بین‌المللی لاهه، در سال ۲۰۰۱ به نفع بحرین حل شده است. (Akhmetov, 2012) اختلافات ارضی با کشور عربستان نیز در سال ۲۰۰۱، به نفع عربستان سعودی حل و فصل و در کنار آن راه خشکی قطر و امارات متحده عربی قطع شد. (اسدی، ۱۳۹۰: ۱۰) راهبرد محوری دیگر قطر در عرصه‌ی سیاست خارجی تلاش برای دنبال کردن سیاستی متوازن و متعادل در سطح منطقه‌ای است. این راهبرد از یک سو، ایجاد رابطه و تعامل با طیفی مختلف از بازیگران را شامل می‌شود و از سوی دیگر، تعادل و توازن‌سازی بین بازیگران منطقه‌ای مختلف را مد نظر قرار می‌دهد. (اسدی، ۱۳۹۰: ۹)

تحركات جدید قطر نیز در چنین وضعیتی قابل تحلیل است. با روی کار آمدن شیخ «تمیم» در قطر، وی سعی دارد با تعدیل سیاست‌های بلندپروازانه‌ی پدر و وزیر امور خارجه‌اش «شیخ حمد بن جاسم» کمتر در امور داخلی دیگر کشورها دخالت کند. در تحولات سوریه، بعد از روی کار آمدن امیر تمیم، همان‌گونه که بشار اسد نیز گفته بود، قطر مشی مسالمت‌آمیز را در پیش گرفت. در سفر «اخضر ابراهیمی» نیز این کشور گفت‌وگوی بدون پیش شرط را مورد تاکید قرار داد و گفت که نباید این پیش شرط که «اسد باید از قدرت کناره‌گیری کند» به عنوان شرط تشکیل کنفرانس ژنو ۲ مطرح شود. چندی قبل نیز این کشور واسطه‌ی آزادی چند گروگان لبنانی شد که توسط نیروهای معارض دستگیر شده بودند و با تلاش‌های این کشور، گروگان‌ها آزاد شدند. (www.bahrnews.ir) در واقع، راهبرد اصلی و محوری قطر در معادلات سیاسی - امنیتی منطقه براساس تعادل در روابط با قدرت‌های عمده‌ی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مؤثر در خلیج فارس و خاورمیانه بوده است. طبق این راهبرد، قطر تلاش می‌کند بین قدرت‌هایی که دارای اهداف و منافع متفاوت، متضاد و حتی متعارضی هستند، به نحوی مانور دهد و بازی کند که میزانی از روابط متعادل را با هر یک از آنها حفظ نماید و ضمن پرهیز از چرخش کلی به سوی یک یا برخی از آنها از مزایای این وضعیت به نفع منافع و امنیت ملی خود بهره گیرد. با این تفاسیر سیاست‌هایی مانند حمایت از اخوان المسلمین در مصر، رقابت با عربستان، میزبانی از گروه‌های معارض و اتخاذ سیاست‌های تهاجمی در مقاطع خاصی باعث شکل‌گیری نارضایتی از سیاست‌های منطقه‌ای قطر شده است.

۳-۷- خرید مشروعیت یا ترجمان ثروت به مشروعیت داخلی و بین المللی

یکی از عوامل مؤثر در پایداری ثبات و بقای یک کشور، میزان مشروعیت آن کشور در عرصه‌ی داخلی است، اما مشروعیت فقط مختص به سطح داخلی و ملی نبوده و کشورها می‌بایست از میزانی از مشروعیت در عرصه بین‌المللی نیز برخوردار باشند، چرا که اگر در عرصه‌ی بین‌المللی، هر اندازه مشروعیت ناچیز و کم‌رنگ باشد، به همان اندازه شرایط انزواساز آن کشور در عرصه بین‌المللی نیز فعال‌تر و پرشمارتر می‌گردند. به عبارتی دیگر میزان آنتروپی آن نظام سیاسی بالاتر رفته و در طول زمان ناپایدارتر و شاید شرایط محو کامل آن مهیا گردد. حتی نظر بر این است که میزان زیادی از کمک‌های مالی کشورها به دیگر کشورهایی که دچار نوعی از بلایای طبیعی یا انسانی گشته‌اند، نه فقط به خاطر اهداف بشردوستانه، بلکه به خاطر کسب و حفظ مشروعیت در عرصه بین‌المللی است. ناگفته پیداست، کشورهایی که از توان بالای مالی و اقتصادی برخوردار باشند در این زمینه و در عرصه‌های داخلی و خارجی بهتر و مؤثرتر می‌توانند کنش‌گری و نقش آفرینی نمایند.

کشور قطر با بهره‌گیری از دوره‌ی رونق استثنایی پیشرفت اقتصادی در افزایش استانداردهای زندگی مردم موفقیت‌های بی‌نظیری داشته است. همچنین در عرصه‌ی سیاسی نیز به پیشرفت‌هایی مانند تصویب قانون اساسی دائمی و برگزاری انتخابات شوراها، نائل آمده است. (Qatar National Vision 2030) رفاه اقتصادی و ثروتمند بودن قطر عاملی مهم در رضایت مردم قطر و عدم تمایل جدی آن‌ها به مشارکت سیاسی بر خلاف کشورهای همسایه مانند بحرین بوده است. بررسی‌ها و نظرسنجی‌های مختلف نشان می‌دهد قطری‌ها با توجه به جمعیت اندک و رفاه اقتصادی مناسب و همچنین رضایت از عملکرد بین‌المللی ملک حمد، اصلاحات و دموکراسی سیاسی را در اولویت قرار نمی‌دهند. بر اساس یک نظرسنجی، تعداد کسانی که در قطر دموکراسی را مهم می‌دانند از ۶۸ درصد در سال ۲۰۰۸ به تنها ۳۳ درصد در سال ۲۰۱۰ رسیده است و دو/سوم پاسخ‌دهندگان به ثبات و زندگی در همسایگی امن اهمیت بیشتری داده‌اند. این گونه رویکردها میان شهروندان قطری به همراه رفاه اقتصادی و انسجام لازم بین جامعه و حکومت، ظرفیت و توانایی اعمال سیاست‌خارجی فعال و مؤثر را افزایش می‌دهد. (اسدی، ۱۳۹۰: ۶) با این حال چشم‌انداز ملی این کشور براساس تبدیل کشور قطر به یک کشور توسعه یافته تا سال ۲۰۳۰ استوار است، کشوری که قادر به حفظ ثبات توسعه و تأمین استاندارد بالای زندگی برای تمام افراد و برای نسل‌های آینده باشد. (صمیمی و قدوسی، ۱۳۸۹: ۱۴) ثروت عظیم نفت به خوبی در سراسر این قلمرو پادشاهی گسترش یافته و حکومت سلطنت مطلقه را تقویت می‌نماید. ثروت و ساختار حاکم، ایجادکننده‌ی این وضعیتی است که در آن هیچ مخالف داخلی وجود ندارد. بنابراین قطر، در تعقیب سیاست‌های غیرمعمول در خارج از کشور بدون نگرانی از فشارهای دلهره‌آور داخلی، آزاده اقدامات مورد نظر خود را پیگیری می‌نماید. (اصغری‌ثانی، ۱۳۹۲: ۶۹) از نکات مهم در اقتصاد کشور قطر این است که

دولت توانسته است رشد اقتصادی را به رفاه اجتماعی ترجمه کند. بر این اساس می‌توان شاهد شهروندانی با رضایت بالا و ثروتمند در قطر بود که از تداوم حاکمیت آل ثانی در این کشور حمایت می‌کنند. (اسدی، ۱۳۹۰: ۵) در سال ۲۰۱۰ رشد تولید ناخالص داخلی قطر با ۱۶,۳ درصد، بیشترین رشد در سطح جهانی بوده است. همچنین تولید ناخالص داخلی قطر در سال ۲۰۱۰، ۱۷۹ هزار دلار بوده و از این نظر نیز رتبه نخست را در سطح جهانی به خود اختصاص داده است. قطر بالاترین شاخص توسعه‌ی انسانی بین کشورهای جهان عرب را داراست و مجله‌ی "فوربس"، قطر را ثروتمندترین کشور جهان معرفی کرده است. (نفت و انرژی، ۱۳۹۲: ۴) همچنین نوسانات نرخ بیکاری در کشور قطر شدت چندانی ندارد و به شدت پایین است، به صورتی که در سال ۲۰۱۳ نرخ بیکاری در این کشور ۰,۳ درصد بوده است، با این وضعیت کشور قطر جزء سه کشور برتر دنیا در دارا بودن نرخ پایین بیکاری است. (www.cia.gov) بنابراین ترجمان رشد اقتصادی به رفاه عمومی، زمینه‌های خرید مشروعیت برای این نظام سیاسی موروثی و پادشاهی را فراهم نموده است.

۳-۸- هم‌پیوندی استراتژیک با قدرتهای فرامنطقه‌ای

رهبران عرب خلیج فارس امنیت و بقای رژیم سیاسی خود را از ابتدای شکل‌گیری این کشورها و حتی در دوره‌ی حکومت‌داری تحت قیومیت انگلستان بر مبنای اتحاد و همکاری با قدرت‌های فرامنطقه‌ای طراحی کرده‌اند. این تجارب در طول دهه‌های گذشته این ذهنیت را نزد رهبران عرب خلیج فارس تقویت کرده است که حفظ امنیت رژیم آن‌ها و تداوم بقای نظام سیاسی‌شان با ادامه‌ی همکاری و اتحاد با قدرت‌های فرامنطقه‌ای ارتباطی عمیق دارد. قطر نیز در طول سال‌های گذشته سعی کرده است روابطی ویژه با قدرت‌های غربی با محوریت آمریکا ایجاد کند. بخشی مهم از سیاست قطر در سطح منطقه از جمله نوع رابطه با رژیم اسرائیل و هم-چنین تحولات و جنبش‌های مردمی جهان عرب در راستای ائتلاف با قدرت‌های غربی معنا پیدا می‌کند. (اسدی، ۱۳۹۰: ۸) از عواملی که زمینه‌ساز تعمیق هم‌پیوندی استراتژیک کشور قطر با قدرت‌های فرامنطقه‌ای می‌گردد، تهدیدات منطقه‌ای و هم‌جواری با قدرت‌های منطقه‌ای است. مطمئناً خطر عربستان سعودی، بحرین و مدعیان داخلی خانواده سلطنتی تهدید کوچکی برای قطر نیست. چالش و تهدید عربستان از یک سابقه‌ی تاریخی نیز برخوردار است. تنش میان دوحه و ریاض اولین بار در سال ۱۹۹۲ با تجاوز عربستان به قطر حالت جدی به خود گرفت. تنش‌های مرزی بار دیگر در سال ۱۹۹۴ تکرار شد. به دنبال آن قطر قرارداد مرزی ۱۹۶۵ با عربستان سعودی را به حالت تعلیق درآورد و به‌عنوان اعتراض از شرکت در جلسات شورای همکاری خلیج فارس اجتناب کرد. عربستان مدعی مالکیت ۲۳ مایل از سواحل جنوب شرقی قطر بود. (جعفری و ولدانی، ۱۳۷۱: ۵۲-۵۸) اهداف و نتایج چنین پیوندی به این قرار است که در جنگ خلیج فارس قطر به نیروهای ائتلاف اجازه داد تا از خاک این کشور برای حمله به عراق استفاده کند. در ۱۹۹۲ قطر با آمریکا توافق‌نامه‌ای امنیتی امضا کرد.

(M.Blanchard,2010:12) برپایه‌ی این توافق دو کشور از اواسط دهه‌ی ۱۹۹۰ بیش از یک میلیارد دلار صرف توسعه و ساخت پایگاه "العدید" کردند. بعد از امضای توافق‌نامه همکاری‌های دفاعی با آمریکا، امنیت قطر به دلیل حضور سربازان آمریکایی تأمین شد. (Akhmetov, 2012) در سال ۲۰۰۱ قطر ریزنی‌های نتیجه بخشی جهت انتقال پایگاه نیروهای آمریکا که برای نظارت بر منطقه‌ی پرواز ممنوع جنوب عراق ایجاد شده بود به پایگاه العدید قطر انجام داد. (نادری قطب الدینی، ۱۳۸۲: ۶۸) این پایگاه در جنوب دوحه، پایتخت قطر واقع شده و مرکز فرماندهی و پشتیبانی و پایگاه هوایی اصلی عملیات‌های جنگی ایالات متحده در افغانستان و عراق است. دولت اواما در سال مالی ۲۰۱۰ مجدداً درخواست ۶۰ میلیون دلار برای بازسازی و تجهیز بیشتر این پایگاه کرد. این پایگاه طولانی‌ترین باند هوایی خاورمیانه را دارد. (M.Blanchard, 2010:3) به نظر می‌رسد که نزدیکی نظامی قطر با آمریکا و جای‌دادن پایگاه نظامی آمریکا در خاک خود به دلیل ترس آن از نقشه‌های عربستان سعودی باشد. امیرحمّد می‌خواست برای آمریکا وفادارتر از عربستان سعودی باشد. (AbuKhalil, 2011/11/21) و با جای‌دادن بزرگترین پایگاه نظامی آمریکا در خاک قطر، دست بعضی از کشورها مانند سعودی‌ها را که در تلاش برای کنترل کشورهای کوچک حاشیه‌ی خلیج فارس هستند کوتاه کرده و از این طریق از خود و کشورش دفاع می‌کند. (Hroub, 2012) از عوامل دخیل در گزینش چنین سیاستی، کیفیت روابط قطر و عربستان است. روابط میان قطر و عربستان سعودی در طول دو دهه‌ی گذشته مناسب و گرم نبوده است و همان‌گونه که بیان شد، دوحه سیاست‌های عربستان سعودی را مهم‌ترین تهدید برای بقای خود می‌داند. تهدید شدن یکپارچگی سرزمینی و امنیت وجودی قطر از سوی عربستان اصلی‌ترین محرک سیاست خارجی قطر است. (اسدی، ۱۳۹۰: ۱۰)

۴- ارتباط‌مندی پویش‌های ژئوپلیتیک قطر و امنیت ملی ایران

کشور قطر با دیگر همسایگان خود (بحرین، عربستان) دارای اختلافاتی از نوع ارضی و مرزی بوده است. با توسل به دیپلماسی فعال و تقبل رأی دیوان لاهه، امروزه بر این اختلافات و تعارضات فائق آمده است. تجانس مذهبی - بخصوص تجانس مذهبی سران و دولتمردان کشورها با هم - تجانس فرهنگی و زبانی، تشابه نظام‌های سیاسی حاکم بر این کشورها، همجواری جغرافیایی و عضویت مشترک در اتحادیه عرب، شورای همکاری خلیج فارس و سپر دفاعی خلیج فارس و... در تسهیل اختلافات ارضی و مرزی کشور قطر با همسایگان مؤثر بوده است. تحت هر شرایطی، حل و فصل اختلافات ارضی کشور قطر با دیگر کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، موجبات پررنگ شدن اختلافات ارضی و ادعایی امارات متحده عربی با ایران می‌گردد. نیز هرچه اختلافات درونی شورای همکاری خلیج فارس رنگ ببازد مواضع غیر دوستانه‌ی جمعی این شورا علیه ایران شدت بیشتری می‌یابد؛ این امر بدان علت

است که علت تشکیل و فلسفه‌ی وجودی این شورا براساس عواملی همچون ایران‌هراسی و توجیه حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای بوده است. بنابراین با توجه به دیدگاه‌های خصمانه‌ی این شورا، به صورت بالقوه این پویش برای امنیت ملی ایران تهدید به حساب می‌آید.

شرایط اقتصادی کشور قطر از قبیل رشد سریع اقتصادی، جایگاه آن در اقتصاد سیاسی بین‌الملل، میزان سرمایه‌گذاری‌های خارجی، توان بالای این کشور در جذب سرمایه‌های خارجی، خرید سهام شرکت‌های نفت و گاز معتبر دنیا و همکاری نزدیک اقتصادی با آنها، تبدیل نفت و گاز به دارایی‌های مولد به منظور پایدارسازی فرایند توسعه و سطح رفاه عمومی و... از مواردی هستند که در قالب تقویت و تشدید محرومیت نسبی در شهروندان ایرانی و بخصوص شهروندانی که در نوار ساحلی کشور معیشت می‌نمایند می‌تواند به عنوان موضوع و موردی که امنیت ملی ایران را به مخاطره می‌افکند، تلقی گردد. همچنین فعالیت‌های اقتصادی قطر در قالب خرید سهام شرکت‌های معتبر نفتی و گازی، جلب سرمایه‌های خارجی، سرمایه‌گذاری‌های روزافزون در عرصه‌های ورزشی، رسانه‌ای، اقتصادی، کمک‌های مالی و... موجب انزوای ایران و کمتر جلوه نمودن نقش آن در منطقه و نظام اقتصادی بین‌الملل است که به پرستیژ و جایگاه ایران در نظام اقتصادی و سیاسی بین‌المللی آسیب زده و تهدید به حساب می‌آید. بنابراین رصد میزان رشد شاخص‌های اقتصادی و واپایش فعالیت‌های اقتصادی و صنعتی این کشور در عرصه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و اعمال راهکارهایی در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی و سیاست-خارجی در راستای مقابله با وضعیت برآمده از آن ضامن گستردگی حاشیه‌ی امنیت ملی کشور در داخل و خارج می‌گردد.

همچنین سیاست برندسازی یکی از کانال‌های اتصال سیاست خارجی کشور قطر به عرصه‌ی بین‌المللی است. امروزه کشور قطر در رقابت با ایران و سایر کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس، در راستای معرفی این امیرنشین کوچک به عنوان نماد جهانی شدن، با دارا بودن زیرساخت‌های ارتباطی و برخورداری از زیرساخت‌های رفاهی و توسعه‌ی انسانی گوی سبقت را روده و نگاه‌های جهانی را به خود معطوف کرده است. از اهم فعالیت‌های کشور قطر در این عرصه می‌توان موارد متعددی را ذکر کرد. دولت قطر آمادگی خود را برای میزبانی المپیک ۲۰۱۶ اعلام داشته و خوشبین است که مشعل المپیک ۲۰۱۶ در قطر روشن شود. به همین منظور این کشور به فکر ساخت بیش از ۵۰ هزار اتاق برای صنعت هتلداری است. هم‌چنین شرکت ملی هتل‌های قطر (QNH) برند جدیدی به نام Katara را معرفی کرده است. نامی که به زعم آنها در ابتدا توسط یونانیان باستان مورد استفاده قرار گرفته و به این شبه جزیره کوچک اطلاق شده است. آنها اعلام می‌دارند که تصمیم به احیای نام Katara دارند چرا که منعکس‌کننده‌ی میراث غنی فرهنگی ما و ریشه در افتخارات باستانی کشور دارد. شیخ "نواف بن جاسم آل ثانی"، در این رابطه می‌گوید این برند (Brand) نشانه و نماد تشخیص ما در فراتر از مرزهای منطقه‌ای و فراتر از تاریخ مکتوب کشور می‌باشد (Nawaf, 10, May 2012). سیاست برندسازی در عرصه‌ی

اقتصادی، که صنایع گازی نمود آن است، در عرصه‌ی ارتباطی که شرکت‌های هواپیمایی و هواپیماهای مسافربری و فرودگاه برتر قطر نمود آن است، در عرصه‌ی رسانه‌ای که شبکه الجزیره نمود آن است، در عرصه‌ی علم که پارک علم و فن آوری قطر نمود آن است و... در دستور کار قرار دارد.

بنابراین سیاست برندسازی این کشور که با توان مالی و اقتصادی پشتیبانی می‌گردد، چنان توانی در عرصه‌ی سیاست خارجی به این کشور بخشیده است که محققین اذعان دارند که کشور فراتر از توان، موقعیت و شرایطش مشغول بازیگری است. این موارد موجبات انزوای ایران بخصوص در عرصه‌ی گردشگری و جلب نگاه‌ها به سمت و سوی کشور قطر را فراهم نموده است که طبعاً تهدیداتی را متوجه امنیت ملی ایران می‌نماید.

از طرفی دیگر کنش‌های سیاسی - دفاعی و امنیتی کشور قطر از جمله ائتلاف‌سازی و پیوند استراتژیک با قدرت‌های فرامنطقه‌ای، توافق با حضور نیروهای نظامی آمریکا در خاک خود، عضویت و همراستایی با سیاست‌های شورای همکاری خلیج فارس علیه ایران، سرمایه‌گذاری - های نظامی و خریدهای تسلیحاتی، تلاش به منظور عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی و... تأثیرات مستقیمی بر امنیت ملی کشور ایران دارد. کشور قطر و شورای همکاری برای مشروعیت بخشیدن به خریدهای تسلیحاتی و نظامی خود که به نوعی دیکته‌ای از جانب فروشندگان و شرکت‌های توزیع اسلحه و ادوات نظامی می‌باشد، مدام به پدیده‌ی ایران‌هراسی و تبلیغ مستقیم و غیرمستقیم آن می‌پردازند. این امر خواست کشورهای دشمن ایران بخصوص اسرائیل و آمریکا نیز می‌باشد، چرا که برای آنها منافع پرشماری در بر دارد. هم آمریکا و هم اسرائیل در تلاش‌اند تا نظام حکومتی ایران را به‌عنوان خطر افراط‌گرایی بنیادگرایانه جای‌گزین تهدید اسرائیل علیه رژیم‌های منطقه، معرفی کنند. (سیف‌زاده، ۱۳۸۹: ۲۰). کشور قطر نیز با اتکاء به توان رسانه‌ای خود، به منظور همراستایی با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس و همکاری مثبت با کشور عربستان، به این پدیده‌ی ایران‌هراسی دامن می‌زند که موجبات انزوای ایران در منطقه با این بهانه را فراهم نماید. این امر مانعی در راستای گسترش دامنه‌ی نفوذ سیاسی ایران و گشایش هرچه بیشتر مرزهای ژئوپلیتیکی کشور تلقی می‌گردد. از طرفی رقابت‌های تسلیحاتی و تبدیل نمودن منطقه به انباری از تسلیحات نظامی برای امنیت ملی کشور چالش و آسیبی قابل توجه محسوب می‌گردد.

انگیزه و اهداف قطر از اتخاذ چنین سیاست‌هایی در عرصه سیاست خارجی و انجام چنین پویش‌ها و کنش‌هایی در فضای ژئوپلیتیک منطقه‌ای، توسعه‌ی دامنه‌ی نفوذ و فضا‌سازی برای سیاست‌ها و اهداف اتخاذی است. چنین امری بدون شک با اهداف منطقه‌ای ایران تقابل و تلاقی خواهد داشت. گواه این مدعا این است که همانطور که بیان شد کشور قطر در منطقه و سطح بین‌الملل مبادرت به کنش‌هایی در عرصه‌ی سیاست خارجی نموده است که فراتر از جایگاه این کشور در ساختار ژئوپلیتیک منطقه و جهان است. یکی از این موارد دخالت‌هایی

است در رابطه با کشور عراق و سوریه انجام شده است. به صورتی که نوری مالکی و حامیان او در عراق معتقد بودند که نیروی محرکه‌ی چالش‌هایی همچون تظاهرات مخالفان در عرصه‌ی داخلی و اقدامات گروه‌های شبه نظامی، حمایت‌های رقبای منطقه‌ای بخصوص عربستان سعودی و قطر می‌باشد. این برداشت که کشورهای حاشیه خلیج فارس در حال تلاش برای تضعیف دولت عراق هستند، به عاملی مهم در راستای تأثیرگذاری بر روابط خارجی کشورهای منطقه شده است. (Kinninmont, 2013: 15) امنیت ملی ایران در نتیجه‌ی چنین کنش‌هایی با چالش مواجه خواهد شد.

تحلیل کنش‌های متعارض قطر در عرصه‌ی سیاست خارجی و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران نیز از الزامات این نوشتار است. همان‌طور که شرح آن گذشت، کشور قطر در عرصه‌ی سیاست خارجی خود با کنش‌های متعددی وارد عرصه گردیده است و تعارض‌های متعددی در سیاست خارجی این کشور دیده می‌شود. از طرفی سرنوشت خود را با سازه‌های فراگیرتر منطقه‌ای همچون اتحادیه‌ی عرب، شورای همکاری خلیج فارس، سازمان کنفرانس اسلامی و... پیوند داده است از طرف دیگر، کنش‌هایی دارد که متعارض با توافقات با هم‌پیمانان خود است. به طور مثال در جریان انقلاب‌های عربی تنها کشور عربی بود که به حمایت از این انقلاب‌ها اقدام نمود. این کنش موجبات نارضایتی دیگر کشورهای عرب، بخصوص کشورهای جنوب خلیج فارس را فراهم نمود. همچنین براساس توافقات و اصول روابط بین‌الملل، دخالت کشورها در امورات داخلی یکدیگر و مهیا نمودن شرایط مانور و فعالیت به مخالفین و معارضین کشورهای همسایه نفی شده است اما کشور قطر به مأمونی برای فعالیت معارضین کشورهای همسایه مبدل گشته است. این عوامل به حدی در سیاست خارجی کشورهای منطقه تأثیرگذار بوده است که اخیراً سه کشور بحرین، امارات و عربستان سفیران خود را از کشور قطر فراخوانده‌اند و گمانه‌زنی‌ها حاکی از پیش رفتن شورای همکاری خلیج فارس به سمت فروپاشی است. از منظر دیگر، این کشور جزئی از سازمان کنفرانس اسلامی است و روابط نسبتاً بهتری نسبت به دیگر کشورهای جنوب خلیج فارس با ایران دارد، اما به همکاری‌های اقتصادی و سیاسی خود با رژیم صهیونیستی ادامه می‌دهد و روابط در حدی است که رژیم صهیونیستی اقدام به تأسیس دفتر تجاری در آن کشور نموده است. همچنین در جریان ناآرامی‌ها و بروز خشونت‌های انزجارآمیز در عراق، به کرات انگشت اتهام به سمت قطر مبنی بر حمایت و کمک به مخالفین نشانه رفته است.

از دیگر تعارض‌های آشکار در سیاست خارجی کشور قطر این است که تعادل و توازنی بین استفاده از مبانی و مؤلفه‌های قدرت نرم و قدرت سخت شکل نگرفته است. هرچند توسل به سیاست میانجی‌گری، دیپلماسی رسانه‌ای، دیپلماسی ورزشی، کمک‌های به موقع در مکان‌ها و کشورهای هدف، میزبانی کنفرانس‌ها و نشست‌ها و... نشان از توجه دولتمردان قطری به توانایی قدرت نرم و استفاده از آن است، اما حمایت از گروه‌های افراطی همچون طالبان و القاعده،

جهت‌گیری معنی‌دار و هدفمند کمک‌های خارجی این کشور، نبود زیرساخت‌های دموکراتیک در داخل کشور، نوع نظام سیاسی و موروثی بودن حکومت، عدم همراهی با سیاست‌های کشورهای منطقه، میزبانی نیروهای نظامی آمریکا و دخالت در امورات داخلی کشورهای همسایه و عرب از عواملی هستند که تناسبی با قدرت‌نرم نداشته و موجبات استهلاک توان سیاسی کشور را فراهم نموده‌اند.

جدول شماره ۱. مؤلفه‌های مؤثر بر کنش‌های ژئوپلیتیک قطر

ردیف	مؤلفه‌های کلان ژئوپلیتیک	نمود مؤلفه‌های تأثیرگذار بر سیاست خارجی قطر
۱	موقعیت جغرافیایی و ویژگی‌های جغرافیای طبیعی	موقعیت راهبردی و سواحل محدب و فرورفته در مرکز سواحل جنوبی خلیج فارس موقعیت نسبی جغرافیایی، همسایگی با عربستان و نزدیکی به ایران (دو قدرت رقیب منطقه‌ای) ضعف توان کشاورزی و کم‌یابی منابع آب شیرین وجود منابع طبیعی نفت و گاز قابل توجه جزایر راهبردی با کاربری نظامی، توریستی و اقتصادی
۲	ویژگی‌های جغرافیای انسانی	ویژگی‌های کیفی جمعیت کشور و رشد سواد، مهارت، سطح بهداشت، رفاه، نرخ پایین بیکاری ترکیب جمعیت بومی کشور قطر و یک‌دستی نسبتاً رضایت‌بخش چالش کمی جمعیت بومی به‌صورتی که کم‌تر از یک‌سوم جمعیت کشور بومی می‌باشند تجانس مذهبی با عربستان و تضاد با ایران به‌عنوان قدرت‌های منطقه‌ای تجانس فرهنگی، زبانی و مذهبی با نوار جنوبی خلیج فارس درصد بالای شهرنشینی
۳	ویژگی‌ها و شاخص‌های اقتصادی	جایگاه رضایت‌بخش در ساختار اقتصاد سیاسی بین‌المللی سرمایه‌گذاری‌های کلان در خارج از کشور (نزدیک به ۲۰ میلیارد دلار) موفقیت در فرایند جذب سرمایه‌های خارجی به‌نسبت کشورهای منطقه به‌ویژه ایران عدم وابستگی زیاد به تجارت با کشورهای منطقه (برخلاف امارات متحده عربی) کسب عنوان سریع‌ترین اقتصاد در حال رشد درآمد سرانه و تولید ناخالص داخلی بالا (ثروت‌مندترین کشور دنیا) برخورداری از منابع عظیم گازی (سومین ذخایر گاز دنیا) برخورداری از زیرساخت‌های ارتباطی هوایی و فرودگاه‌های استاندارد مهیاداشتن زیرساخت‌های توسعه‌ی صنعت توریسم
۴	ویژگی‌های سیاسی داخلی	نوع نظام سیاسی و تجانس با سواحل جنوب خلیج فارس انجام اصلاحات سیاسی و فضای سیاسی بازتر نسبت به دیگر امیرنشینان منطقه اتخاذ سیاست خرید مشروعیت و توسعه‌ی رفاه اجتماعی و زیرساخت‌های رفاهی و آموزشی عدم فعالیت و عدم وجود گروه‌های معارض و اپوزیسیون داخلی ثبات سیاسی نسبتاً قابل قبول‌تر نسبت به دیگر امیرنشینان منطقه
۵	ویژگی‌های سیاست خارجی	اتخاذ سیاست میانجی‌گری و واسطه‌گری در منطقه و جهان توسل به قدرت نرم در راستای توسعه‌ی نفوذ سیاسی در منطقه و جهان

<p>توسل به دیپلماسی رسانه‌ای و توسل به راهبردهای دیپلماسی ورزشی اقدام به نمادسازی و سرمایه‌گذاری‌های سیاسی و اقتصادی</p>		
<p>عضویت در شورای همکاری خلیج فارس و عضویت در همکاری‌های دفاعی - نظامی موسوم به سپر جزیره ائتلاف سازی با قدرت‌های فرامنطقه‌ای عدم ورود جدی به رقابت تسلیحاتی مانند عربستان و امارات متحده همکاری با نیروهای نظامی آمریکایی و میزبانی نیروهای فرماندهی مرکزی آمریکا</p>	<p>ویژگی‌های نظامی - امنیتی</p>	<p>۶</p>

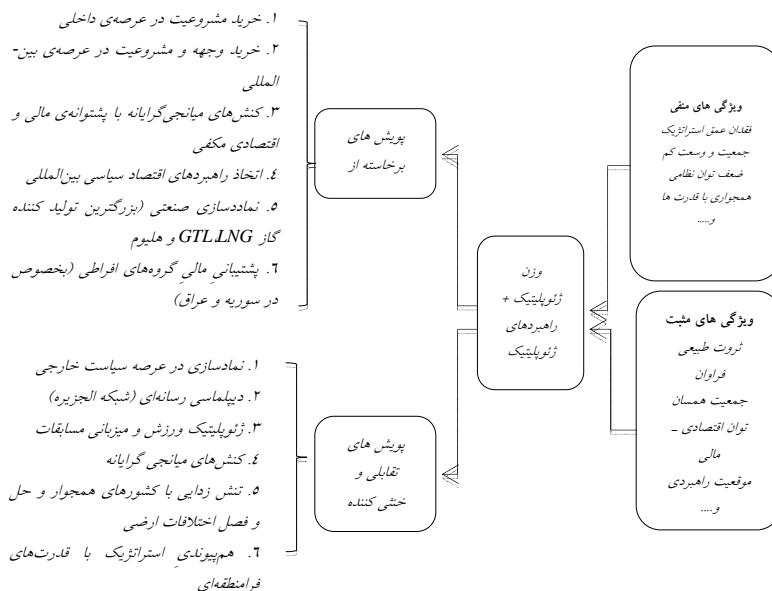
ترسیم از: (نگارندگان)

در این عرصه‌ی تعارضی، امنیت ملی کشور ایران به طور مستقیم تهدید نمی‌گردد، اما برعکس شکافی در سیاست خارجی کشور قطر نمودار می‌گردد که موجبات نفوذ ایران و مقابله با سیاست‌های کشور قطر فراهم می‌گردد. تعارضات موجود در رفتار سیاسی کشور قطر بستر گسیختگی انسجام شورای همکاری خلیج فارس که تمایلات ضد ایرانی متعددی در رفتار آنها مشاهده شده است را فراهم می‌کند.

۵- تجزیه و تحلیل فرضیه

از مجموع مباحث و یافته‌های تحقیق چنین بر می‌آید که مؤلفه‌های مختلفی در دگرگونی‌های ژئوپلیتیک کشور قطر نقش داشته است که می‌توان آنها را در قالب جدول ۱ خلاصه‌سازی کرد. با توجه به جدول فوق، می‌توان پویای ژئوپلیتیک کشور قطر را در دو دسته رده‌بندی نمود؛ یکی آن دسته از پویای‌ها که برخاسته از وضعیت ژئوپلیتیک کشور قطر می‌باشند و در واقع همان استفاده‌ی بهینه و به‌جا، از ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های مثبت کشور قطر هستند. مانند دارا بودن منابع گازی عظیم، و ثروت فراوان حاصله از این منابع. دسته‌ی دیگر، اتخاذ راهبردهای اقتصاد سیاسی قطر و پیوند زدن سرنوشت این کشور با امنیت انرژی و اقتصاد سیاسی جهانی و منطقه‌ای است. در ساختار نوین اقتصاد سیاسی بین‌الملل، انرژی، پاشنه‌ی آشیل بسیاری از مناطق و کشورهای صنعتی است و یکی از ابزارهای مهم کسب ثروت و اعمال قدرت در عرصه‌ی سیاست خارجی و بین‌المللی تلقی می‌شود. در این ساختار کشور قطر به دلیل واقع شدن در جنوب بیضی استراتژیک انرژی، و دارا بودن ذخایر عظیم گازی از موقعیت ممتازی برخوردار است. درک این موقعیت ممتاز و تمرکزبخشی و هدایت برنامه‌های توسعه، در این راستا، موجبات نقش‌آفرینی قطر در ساختار اقتصاد سیاسی بین‌الملل را فراهم نموده و این خود نیز زمینه‌ساز کنش‌های فعالانه در سایر عرصه‌ها، خاصه سیاست خارجی، شده است. به عبارت دیگر راهبردهای نمادسازی، و توسل به دیپلماسی ورزشی، رسانه‌ای، مذهبی و از همه مهمتر دیپلماسی میانجیگری و... از مهمترین راهبردهای قطر در دستیابی به وضعیت کنونی است و این به معنای تأیید پیش فرض‌های اصلی این پژوهش است. مدل زیر وضعیت ژئوپلیتیک کشور قطر و پویای‌های برخاسته از آن را نشان می‌دهد.

مدل شماره‌ی ۳. وضعیت و مشخصات ژئوپلیتیک کشور قطر و پویایی‌های برخاسته از آن



ترسیم از: نگارندگان

۶- نتیجه‌گیری و پیشنهادها

هر کشور به منظور توسعه‌ی نفوذ و تأثیرگذاری خود در عرصه‌ی سیاست خارجی اقدام به گزینش کانال‌ها و قالب‌هایی برای ورود به این عرصه می‌نماید. این قالب‌های دیپلماتیک نوعی تقسیم‌کار نیز در عرصه‌ی داخلی در فرایند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری سیاسی را فراهم می‌نمایند. اما از آنجا که هر بازیگر و کشوری در عرصه‌ی سیاست خارجی صرفاً به دنبال تأمین منافع، امنیت ملی و پیشبرد اهداف ارزشی و مادی خود است، تقابلاتی میان بازیگران بروز می‌نماید. شدت این تقابلات و تعارضات در سطح منطقه‌ای نمود بیشتری پیدا می‌کند، چرا که عامل همسایگی و پیوستگی جغرافیایی تأثیر بسزایی در موضوع سیاست خارجی کشورها داشته و حلقه‌ی امنیتی کشورها در سطح منطقه‌ای از حساسیت بیشتری برخوردار است. کشور قطر نیز در همسایگی ایران، اقدام به فعالیت در عرصه‌ی سیاست خارجی در قالب‌ها و کانال‌های متعدد و متنوعی می‌نماید که طبعاً امنیت ملی کشور ایران و دیگر همسایگان را متأثر می‌نماید.

امیر مستعفی قطر، حمد بن خلیفه آل ثانی، طی دو دهه‌ی اخیر نوعی سیاست خارجی پیش‌رونده و فعال را اتخاذ کرد، به گونه‌ای که جایگاه دیپلماتیک قطر در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی ارتقا یافت و این کشور خود را به عنوان میانجی منازعات و بحران‌های منطقه‌ای مطرح کرد. توان اقتصادی، پشتوانه‌ی مالی قوی، توان دیپلماسی با بُرد منطقه‌ای و جهانی، برندهای پرشمار

و تأثیرگذار این بازیگر، کمک‌های مالی، میانجی‌گری و تنش‌زدایی و... از عوامل ارتقاء موقعیت منطقه‌ای و بین‌المللی کشور قطر می‌باشند که خود نیز بسترساز توسعه‌ی نفوذ سیاسی این کشور در سطوح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به حساب می‌آید. اما تعدد در راهبردهای دخیل در سیاست-خارجی، پایبند نبودن به اصول ایدئولوژی خاص در سیاست خارجی، تداخل منافع با بازیگران منطقه‌ای و اتخاذ موضع رقابت‌جویانه با آنها، وابستگی شدید در عرصه‌ی سیاست خارجی و... عوامل زمینه‌ساز تعارض در سیاست خارجی و پویش ژئوپلیتیک می‌باشند. با عنایت به این مهم پیش‌بینی می‌شود به علت تناقض و تعارض در سیاست خارجی قطر، این کشور سرانجام از بی‌طرفی و چندجانبه‌گرایی نیابتی به طرفداری و جانبداری از طرف‌های درگیر در منطقه روی خواهد آورد و همان‌گونه که در بحران سوریه آشکار شد به جبهه‌های خاصی در منطقه خواهد پیوست. پیوند استراتژیک قطر با آمریکا، پیوند مذهبی با عربستان، پیوند فرهنگی با سازه‌ی عربی، پیوند اقتصادی با کشورهای غربی و آمریکا، پیوند سیاسی با اسرائیل و آمریکا، پیوند نظامی با شورای همکاری خلیج فارس، سپر دفاعی جزیره و قدرت‌های فرامنطقه‌ای و...، حکایت از این موضوع دارد که جبهه‌های مورد هدف قطر، همواره برای امنیت ملی ایران چالش‌آفرین بوده‌اند. بنابراین غافل نبودن از بازیگری کشور قطر، ابزارهای دیپلماتیک و ژئوپلیتیک آن، واپایش و رصد کنش‌ها و پویش‌های این کشور باید در دستور کار سیاست خارجی و استراتژی ژئوپلیتیک ایران در سطح منطقه قرار گیرد.

به منظور ارائه‌ی پیشنهادی کاربردی و راهبردی متناسب به منظور خنثی‌سازی پویش‌های ژئوپلیتیک کشور قطر، شناخت اصول حاکم بر سیاست خارجی این کشور الزامی است. همبستگی عربی یکی از اصول سیاست خارجی کشور قطر است، این کشور بر همین اساس در ۱۱ سپتامبر ۱۹۷۱ به عنوان یک کشور مستقل رسماً به اتحادیه عرب پیوست. تعهد و هماهنگی با سیاست‌ها و اهداف شورای همکاری خلیج فارس یکی دیگر از اصول سیاست خارجی قطر می‌باشد. (www.qatarembassy.net) همچنین حفظ روابط سنتی با انگلیس نیز از دیگر اصول پذیرفته شده در سیاست خارجی قطر در دهه‌ی ۷۰ بود و با توجه به حضور مستشاران انگلیسی در دستگاه‌های سیاسی و امنیتی قطر، این کشور معمولاً در رابطه با اقدامات و تحرکات جهانی و منطقه‌ای انگلیس از خود واکنشی نشان نداده و یا بعضاً اقدام به اتخاذ سیاست موافق با انگلیس می‌نموده است. از دیگر اصول اعمالی در سیاست خارجی قطر واکنش مثبت نسبت به انقلاب‌های اخیر در کشورهای عربی بود. در بین کشورهای عربی تنها کشور قطر بود که به صورت واقعی به حمایت از این انقلاب‌ها برخاست، دولتمردان کشور قطر از این فرصت استفاده کرده و قدرت و ثبات سیاسی خود را به رخ رقبا کشیدند. همچنین با حمایت از انقلاب‌ها و رهبران هدایت‌گر این شورش‌ها، نشانه‌هایی از محبوبیت قطر در سطح منطقه به عنوان یک بازیگر منطقه‌ای نمایان گشت. در ادامه کشور قطر در قالب موضع‌گیری‌ها، پوشش رسانه‌ای شورش‌ها، فعالیت‌های دیپلماتیک، حمایت‌های مالی و حتی دخالت‌های

نظامی در جریان این تغییرات در منطقه نقش آفرینی کرد. (Hroub,2013:2) نقش حساس کشور قطر در جریان بهار عربی استمرار فعالیت‌ها و رشد سیاست خارجی این کشور در طول دهه‌ی کنونی است. لذا پیشنهاد می‌شود که در تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌های تقابلی با کشور قطر، همبستگی این کشور با اتحادیه‌ی عرب، شورای همکاری خلیج فارس، سپر دفاعی جزیره، نقش و نفوذ انگلستان و آمریکا، نقش و نفوذ عربستان و وهابیت، ضعف‌های جغرافیایی و ژئوپلیتیک به صورت جدی مطالعه شده و مد نظر قرار بگیرد. در زمینه سیاسی، عواملی که کشور قطر را به ایران نزدیک و بدین منظور در دولتمردان این کشور ایجاد انگیزه نماید، موضوع کاهش نفوذ عربستان و استفاده از نزدیک شدن به ایران به منظور ایجاد تعادل در روابط با عربستان می‌باشد. همچنین کنش‌ها و پویای متعارض کشور قطر در عرصه‌ی منطقه‌ای موجبات نارضایتی دیگر کشورهای عرب را در حوزه‌ی خلیج فارس فراهم نموده است، بنابراین عامل دیگر انزوای قطر در شورای همکاری است که آن را به سمت ایران رهنمون خواهد کرد. کمبود منابع آب شیرین در این کشور به عنوان یک کد ژئوپلیتیک قلمداد گشته و برنامه‌ریزی به منظور وابسته‌سازی کشور قطر به منابع آب شیرین ایران راهبردی مناسب به منظور همراستاسازی سیاست خارجی کشور قطر با منافع ملی ایران می‌باشد.

کتابنامه

الف - منابع فارسی

۱. ابراهیمی، نبی‌الله (۱۳۹۱)؛ اخوانیگرایی و سیاست خارجی قطر در قبال انقلاب‌های عربی ۲۰۱۱، فصلنامه‌ی مطالعات راهبردی، دوره‌ی ۵، شماره‌ی ۵۵، بهار ۱۳۹۱.
۲. احمدی‌پور، زهرا و همکاران (۱۳۸۹)، تحلیل ژئوپلیتیکی فرصت‌ها و چالش‌های همگرایی در منطقه‌ی غرب آسیا، دو فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال اول، شماره‌ی اول، بهار و تابستان.
۳. اسدی علی‌اکبر (۱۳۹۰) «سیاست خارجی قطر و تحولات عربی: مبانی و مؤلفه‌ها»، مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال ۱۲، شماره‌ی ۴۷، زمستان.
۴. اصغری‌ثانی، حسین (۱۳۹۲) ارزیابی قدرت نرم قطر، تهران: مؤسسه‌ی فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
۵. اعظمی، هادی (۱۳۸۵)؛ وزن ژئوپلیتیکی و نظام قدرت منطقه‌ای (بررسی موردی: جنوب - غرب آسیا)، فصلنامه‌ی ژئوپلیتیک، سال دوم، شماره‌ی سوم و چهارم، پاییز و زمستان ۱۳۸۵.
۶. بوزان، باری (۱۳۷۸)؛ امنیت ملی در جهان اسلام، مترجم پژوهشکده‌ی مطالعات راهبردی، تهران، نشر پژوهشکده‌ی راهبردی.
۷. پویان، رضا (۱۳۹۲)؛ تبیین مؤلفه‌های جغرافیایی و ژئوپلیتیکی روابط در مناطق ژئوپلیتیکی، فصلنامه‌ی ژئوپلیتیک، سال نهم، شماره‌ی دوم، تابستان.
۸. جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۷۱) «نگاهی به اختلافات مرزی قطر با عربستان»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره‌ی ۶۳ و ۶۴، آذر و دی.
۹. جمراسی فراهانی، علی اصغر (۱۳۷۴)؛ بررسی مفاهیم نظری امنیت ملی، تهران، نشر مدیریت دولتی.
۱۰. حافظ نیا، محمد رضا (۱۳۷۹)، مبانی مطالعات سیاسی - اجتماعی، جلد یک سازمان مدارس خارج از کشور، قم.
۱۱. حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۵)؛ اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد: انتشارات پاپلی.
۱۲. حافظ نیا، محمدرضا و حسین ربیعی (۱۳۹۲)؛ مطالعات منطقه‌ای خلیج فارس، تهران: انتشارات سمت، چاپ اول.
۱۳. ربیعی، حسین (۱۳۹۱)؛ تحلیل اختلافات مرزی ایران در منطقه‌ی خلیج فارس با تأکید بر نقش، رویکرد و رفتار قدرت‌ها، نشریه‌ی تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال دوازدهم، شماره‌ی ۲۶، پاییز ۱۳۹۱.
۱۴. ساوه درودی، مصطفی و محمد عباسی (۱۳۸۶)؛ مطالعات امنیتی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران، پژوهشگاه مطالعات کاربردی فارابی.

۱۵. سمعی اصفهانی، علیرضا و علی امیربیک (۱۳۹۰)؛ قدرت منطقه‌ای ایران و چالش‌های خارجی پیش‌روی آن، فصلنامه‌ی سیاست، دوره ۴۱، شماره ۴، زمستان.
۱۶. سهرابی، عبدالله (۱۳۹۲)؛ قطر، دوره جدید مباحث کشورها و سازمان‌های بین‌المللی/۸۲، تهران: مرکز آموزش و پژوهش‌های بین‌المللی، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی
۱۷. صمیمی، احمد و آمنه قدوسی (۱۳۸۹)؛ چشم انداز ملی قطر، گزارش راهبردی، شماره ۱۲۴، کد گزارش ۱۸-۸۹-۱-۰۴، آذر ۱۳۸۹
۱۸. طاهری، مسعود (۱۳۸۹)؛ مراقب شیطنتهای قطر از فرصت جام جهانی باشیم، <http://www.asriran.com/fa/news/147736>، کد خبر: ۱۴۷۷۳۶، ۱۳ آذر.
۱۹. عسگری، مسعود (۱۳۹۲)؛ ارزیابی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری برند شهر آبدانان، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد در رشته‌ی مدیریت شهری، دانشگاه فرودسی مشهد، دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی، استاد راهنما: دکتر محمدرحیم رهنما، بهمن.
۲۰. عیوضی، محمد رحیم (۱۳۸۶)؛ امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در فرایند جهانی شدن، تهران: نشر نی.
۲۱. قاسمی، حاکم و زهرا ناظری (۱۳۹۰)؛ تحولات ژئوپلیتیک در حوزه‌ی دریای خزر و تغییر نقش قدرت‌های بزرگ در این منطقه، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال هفتم، شماره ۱ سوم، پاییز.
۲۲. قوام، عبدالعلی (۱۳۸۹)؛ اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، تهران: انتشارات سمت، چاپ شانزدهم.
۲۳. کاظمی پور، شهلا (۱۳۷۶)؛ جمعیت و امنیت ملی، مجموعه مقالات همایش توسعه و امنیت عمومی، وزارت کشور.
۲۴. ماهنامه‌ی خلیج فارس و امنیت (۱۳۹۳)؛ راهبرد سیاسی - امنیتی قطر در منطقه‌ی خاورمیانه و خلیج فارس، سال چهاردهم و پانزدهم، اسفند ۱۳۹۲ و فروردین ۱۳۹۳، شماره ۱۵۱-۱۵۲.
۲۵. مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۱)؛ جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، تهران: انتشارات سمت.
۲۶. معظمی، منصور و محمدصادق جوکار (۲۰۱۳)؛ گزارش نفت و گاز کشور قطر (اداره اطلاعات انرژی ایالات متحده آمریکا - ۲۰۱۳)، گزارش انرژی کشوری: شماره ۵، <http://www.energydiplomacy.ir>
۲۷. نفت و انرژی (۱۳۹۲)؛ آشنایی با کشورهای نفت‌خیز جهان، کشور قطر، www.energyconf.ir، دی.
۲۸. نکته‌دان، حوریه و حافظه سیفی آتشگاه (۱۳۸۶)؛ اینترنت و تأثیر آن بر فعالیت‌های القاعده، فصلنامه‌ی تخصصی علوم سیاسی، شماره ۷، پاییز ۱۳۸۶، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج.

۲۹. یوسفی، ثریا و سجاد کریمی‌پاشاکی (۱۳۸۹)، ژئوپلیتیک، سازهای برای همگرایی کشورهای جهان اسلام، مجموعه مقالات چهارمین کنگره‌ی بین‌المللی جغرافیدانان جهان اسلام، زاهدان: فروردین.

ب - منابع انگلیسی

30. Abukhalil.As'ad,(2011),Determinants of Qatar's Foreign Policy (Part 2), Thu, November 24. <http://english.al-akhbar.com/blogs/angry-corner/determinants-qatari-foreign-policy-part-ii>.

31. Akhmetov.Timur,(2012),Explaining Qatar's Foreign Policy,February 27, 2012.

32. Al-Ansary, Marawa (2012); Geological and physiochemical characterisation of construction sands in Qatar, Qatar Shell Research and Technology Centre, Qatar, International Journal of Sustainable Built Environment, 9 July 2012.

33. Anzawa Munehiro , (2011) , Al Jazeera as a Political Tool within the Contradictions of Qatar , The American University in Cairo , School of Global Affairs and Public Policy, A Thesis Submitted to the Department of Middle East Studies.

34. Blanchard, Christopher M. (2014); Qatar: Background and U.S. Relations, Congressional Research Service, Informing the Legislative Debate since 1914, Specialist in Middle Eastern Affairs, January 30, 2014.

35. Boateng, Osman Antwi (2013); the Rise of Qatar as a Soft Power and The Challenges, European Scientific Journal December2013 /SPECIAL/ edition vol. 2 ISSN:1857 – 7881(Print)e - ISSN1857- 7431.

36. BP Energy Outlook 2035 (2014); bp.com/energyoutlook #BPstats.

37. Dickinson. Elizabeth, (2012), Qatar builds a brand as mediator, Christian Science Monitor.at:<http://www.minnpost.com/christian-science-monitor/2012/03/qatar-builds-brand-mediator>.

38. Doherty.Regan,(2012), Tiny Qatar stands tall in int'l affairs, Reuters January 19.<http://www.gmanetwork.com/news/story/245123/news/world/tiny-qatar-stands-tall-in-int-l-affairs>.

39. Greer, William (2013); Trends and projections of annual birth volumes in the State of Qatar: 1970–2025, Qatar Foundation Journals, 03 July 2013.

40. Hroub. Khaled,(2012), How Al-Jazeera's Arab spring advanced Qatar's foreign policies, Autumn, Sunday, 08 April. at:http://www.europeworld.org/NewEnglish/Home_old/Article/tabid/191/ArticleType/ArticleView/ArticleID/21877/HowAlJazeerasArabspringadvancedQatarsforeignpolicies.aspx.

41. Hroub, Khaled (2013); Qatar: geostrategic media and foreign policy, Norwegian Peacebuilding Resource Center, Policy Brief, February 2013.

42. <http://www.bahrnews.ir/ViewArticle/tabid/133/ArticleId/12455/.aspx>
1393/1/30 سایت خبری - تحلیلی بحر نیوز، سفر رئیس بنیاد آموزش و پرورش قطر به ژاپن، (۱۳۹۳)

43. Ibrahim, Ibrahim, Frank Harrigan (2012); Qatar's economy: Past, present and future, Department of Economic Development, General Secretariat for Development Planning, Doha, Qatar, 17 September 2012.
44. Kamrava ,Mehran ,(2011), Mediation and Qatari Foreign Policy ,Middle East.
45. Kessous.Mustapha,(2011), Sports as Diplomacy: How Small Gulf Countries Use Big Sports to Gain Global Influence, Monday, June 2011.
46. L.O'Sullivan.Meghan,(2011), Tiny Qatar's Big Plans May Change Mideast, October3.<http://www.cfr.org/qatar/tiny-qatars-big-plans-may-change-mideast/p26143>.
47. Mahgoub, Yasser & Bothayna Abbara (2012); Tall Buildings Legislations in Doha, Qatar, ASEAN Conference on Environment-Behaviour Studies, Savoy Homann Bidakara Bandung Hotel, Bandung, Indonesia, 15-17 June 2011.
48. Nawaf, Bin Jassim Al Jabor Al Thani (2012); Launch of Katara Hospitality crowns boom for Qatar tourism, <http://www.breakingtravelnews.com/focus/article/launch-of-katara-hospitality-crowns-boom-for-qatar-tourism/> , 10th May 2012.
49. Peterson J.E , (2006) , Qatar and the World: Branding for a Micro-State , Middle East Journal , Vol.60,No.4,Autumn.
50. Qatar National vision 2030 (2012); center secretariat Development Planning,
51. State of Qatar Statistics Authority (2011); Labor Force Sample Survey 2011, November, 2011.
52. Statistics Authority (2013); Quarterly Foreign Merchandise Trade Statistics, 01 January 2013.
53. U.S. Energy Information Administration, (2013); Countries Qatar, Last Updated: January, 30,2013.
54. U.S. Energy Information Administration, Qatar Country Analysis Brief, January 2014.
55. www.cia.gov